

بررسی آثار سلبی استراتژی امریکا در قبال مصر بر منافع ج.ا.ایران؛ مطالعه موردی دولت السیسی

حسین رفیع^۱، علی ابراهیمی^۲، میثم بلباسی^۳، رامین رستگار^۴

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۵/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۹

چکیده

یکی از اهرم‌ها موثر در کاهش نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی، کمک‌های خارجی ایالات متحده آمریکا در قالب رشوه سیاسی به کشورهای تأثیرگذار در معادلات ژئوپلیتیکی است. در این رابطه، مصر از دیرباز تا به امروز، وابستگی شدیدی به کمک‌های خارجی (اقتصادی و نظامی) آمریکا داشته است و در قبال آن می‌بایست، تقاضاها و خواسته‌هایی را نیز عملیاتی کند. از این منظر، پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی است که ابزار کمک خارجی آمریکا در قبال مصر، چگونه موجبات تیره شدن روابط مصر و ج.ا.ایران را فراهم کرده است؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهد که کمک خارجی ایالات متحده آمریکا به عرصه‌ای برای وابستگی دولت مصر در قالب رابطه «حامی- مشتری» تبدیل شده است. تا آنجا که، کمک‌های خارجی به‌مثابه ابزار و رشوه سیاسی جهت نفوذ و تحت‌فشار گذاشتن مصر در روابط با جمهوری اسلامی ایران صورت‌بندی شده است. از این رو، به نظر می‌رسد نتوان بر اساس پیوند «عربی- غربی» و تا زمانی که وابستگی نظامی- اقتصادی مصر در پرتو کمک‌های خارجی ایالات متحده آمریکا وجود داشته باشد، شاهد نگرش عادی‌سازی و تنش‌زدایی در روابط ج.ا.ایران و مصر باشیم.

واژگان کلیدی: ایالات متحده آمریکا، کمک‌های خارجی، السیسی، مصر، جمهوری اسلامی ایران.

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران. H.Rafie@umz.ac.ir

۲. محقق پس‌دکتری و استاد مدعو علوم سیاسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول). A_Ebrahimia@yahoo.cm

۳. دانش آموخته دکترای مطالعات انقلاب اسلامی دانشگاه تهران و پژوهشگر دانشگاه عالی دفاع ملی.

Belbasi.Meisam@ut.ac.ir

۴. دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی. Ramin.rastegar5141@gmail.com

۱. مقدمه

برای چندین دهه، روابط مصر و آمریکا مبتنی بر تعهد دوجانبه به اهداف مشترک است. مصر از دیرباز یکی از قابل‌اعتمادترین و تأثیرگذارترین متحدان ایالات‌متحده بوده است. رهبری منطقه‌ای مصر و موقعیت جغرافیایی استراتژیک در چهارراه حیاتی امنیت و تجارت جهانی، آن را به یک شریک ارزشمند در پیشبرد طیف وسیعی از منافع آمریکا تبدیل کرده است. از طرف دیگر، پس از سقوط رژیم حسنی مبارک در سال ۲۰۱۱، روابط ج.ا.ایران و مصر وارد مرحله جدیدی شد، اما هرگز به سطح روابط عادی نرسید. چه در زمان محمد مرسی، رئیس‌جمهور فقید که از اخوان‌المسلمین آمده بود، چه در زمان ریاست جمهوری عبدالفتاح السیسی که از نهاد نظامی در مسند ریاست جمهوری قرار گرفت. در واقع، مصر جزو معدود کشورهایی است که ج.ا.ایران نتوانسته روابط خود را پس از تحولات اولیه سیاست خارجی ج.ا.ایران در سال‌های پس از انقلاب برقرار کند. عمده دلیل آن به پس از انقلاب اسلامی ایران برمی‌گردد که به دلیل ماهیت ضد هژمونیک با ایالات‌متحده آمریکا، به عرصه‌ای برای کمک‌های خارجی و وابستگی اقتصادی- نظامی بر همسایگان تعیین یافت. در این میان، پیمان صلح ۱۹۷۹ بین رژیم صهیونیستی و مصر آغازگر دوره کنونی حمایت مالی ایالات‌متحده از صلح بین رژیم صهیونیستی و همسایگان عرب آن بوده است. از این منظر، مهم‌ترین عاملی که در ۴۳ سال گذشته دو کشور را از هم جدا کرده و موقعیت سنتی و استراتژیک مصر را در میان کشورهای عربی و اسلامی تضعیف کرده است، تسلیم قاهره در برابر سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا است. به جز این موضوع، هیچ موضوع مهم ایدئولوژیک و سیاسی دیگری که قطع روابط دو کشور را توجیه کند، وجود ندارد.

کمک‌های خارجی ایالات‌متحده با اهداف سیاسی به‌عنوان بخشی از «دیپلماسی تحول‌آفرین» مرتبط بوده است. ایالات‌متحده آمریکا در مصر، مانند چند مکان دیگر در خاورمیانه، بیش از حد سرمایه‌گذاری کرده است. یکی از دلایلی که واشنگتن نمی‌تواند این موضوع را نادیده بگیرد، به فقدان یک شریک مؤثر یا مشتاق در پیشبرد اولویت‌های ایالات‌متحده برمی‌گردد. در این راستا، مصر و ایالات‌متحده درک مشترکی نسبت به اجرای

راه‌حلهایی برای چالش‌های پایدار در کشورهای خاورمیانه دارند که مستلزم ادامه و تقویت بیشتر همکاری‌ها است. در واقع، نیاز مصر و ایالات متحده آمریکا از رابطه‌ای راهبردی - دوسویه برخوردار است. از یک سو، وابستگی مصر به کمک‌های اقتصادی - نظامی آمریکا که از آن به عنوان کمک خارجی یاد می‌شود، این کشور را حامی سیاست‌ها و اهداف آمریکا در خاورمیانه کرده است. از سوی دیگر، موقعیت سوق‌الجیشی مصر سبب گردید تا آمریکا برای کاهش نفوذ و تهدید منافع ج.ا.ایران به مصر اعتماد کند. بنابراین، معادله‌ای دوجبهی وجود دارد که براساس آن، به میزانی که روابط ج.ا.ایران و مصر به سمت تعامل و همگرایی پیش می‌رود، جایگاه، نقش و نفوذ رژیم صهیونیستی و ایالات متحده براساس آن تعیین می‌شود. مصر به دلیل نفوذ منطقه‌ای و موقعیت جغرافیایی‌اش، شریک اصلی آمریکا در اهداف مشترک صلح و ثبات در سراسر خاورمیانه، شمال آفریقا و فراتر از آن است. دو کشور روابط نزدیک نظامی با یکدیگر دارند و در حال حاضر شامل همکاری کاهش نفوذ ج.ا.ایران، صلح رژیم صهیونیستی و فلسطین می‌شود.

بررسی و شناخت کشورهایایی که به دلیل راهبردی اهمیت بسزایی برای ایران دارند، از ضرورت‌ها و الزامات شناختی محیط منطقه ج.ا.ایران محسوب می‌شود. در این رابطه، یکی از کشورهای تأثیرگذار، کشور مصر و کیفیت رابطه با آن است. با این وجود، بسیاری از کشورهای غربی و در رأس آنها آمریکا، تلاش می‌کنند تا با ابزارهای مختلفی جهت قطع روابط ج.ا.ایران با همسایگانش و متعاقباً تهدید منافع این کشور گام بردارند. لذا شناخت ماهیت ابزارهای فشار آمریکا بر مصر، می‌تواند در بهره‌گیری از راهبردها توسط ج.ا.ایران به منظور ارتقای کیفیت روابط با مصر مثمرتر واقع گردد.

مقدمات فوق، چالش‌های نظری را برمی‌انگیزد و بررسی آثار سلبی استراتژی آمریکا در قبال دولت السیسی بر منافع جمهوری اسلامی ایران را ضروری می‌سازد. پیرو هدف پژوهش، سؤال اصلی مقاله این است که ابزار کمک خارجی آمریکا در قبال مصر، چگونه موجبات تیره شدن روابط مصر و ج.ا.ایران را فراهم کرده است؟ نتایجی که با روش توصیفی - تحلیلی از مقاله حاضر مستفاد می‌گردد، نشان می‌دهد که کمک خارجی ایالات متحده آمریکا به عرصه‌ای برای وابستگی دولت مصر در قالب رابطه «حامی - مشتری»

تعیّن پیدا کرده است. تا آنجا که، این قبیل کمک‌های خارجی به‌مثابه ابزار و رشوه سیاسی جهت نفوذ و تحت‌فشار گذاشتن مصر در روابط با جمهوری اسلامی ایران صورت‌بندی شده است.

۲. پیشینه‌شناسی تحقیق

تاکنون مطالعه یا تحقیقی که بتواند جنبه‌های سلبی استراتژی آمریکا در روابط با مصر بر ج.ا.ایران را مورد واکاوی قرار دهد، صورت نگرفته است؛ اما منابع و تحقیقاتی وجود دارند که با رویکردهای مختلف به بررسی روابط آمریکا و مصر پرداخته‌اند یا دیدگاه آمریکا را نسبت به کشور مصر و اهمیت راهبردی آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. در ذیل به برخی از آنها اشاره خواهد شد:

زینلی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین مهم‌ترین موانع همگرایی روابط ایران و مصر (۲۰۱۸ الی ۲۰۲۲)» اعتقاد داشتند که با توجه به اهمیت کارکردی جایگاه دو کشور ایران و مصر در معادلات منطقه خاورمیانه، وجود موانع همگرایی میان این دو کشور می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای را در این منطقه جغرافیایی در پی داشته باشد. در این مقاله، جامعه آماری را کلیه صاحب‌نظران و اساتید رشته‌های ژئوپلیتیک و روابط بین‌الملل تشکیل می‌دهند که حجم نمونه، تعداد ۵۰ نفر براساس مدل کوکران تخمین زده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، عوامل فرامنطقه‌ای، منطقه‌ای و داخلی از مهم‌ترین موانع همگرایی میان دو کشور ایران و مصر است که در این میان نقش عوامل فرامنطقه‌ای، بیش از سایر عوامل می‌باشد.

درویشی و مظفری (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی عوامل تأثیرگذار بر واگرایی روابط ایران و مصر (۱۳۵۷-۱۳۹۲)» بیان کردند که مسائل ایران و مصر عمدتاً به دلایل سیاسی، بین‌المللی و تاریخی، فرهنگی و نیز قومی، جغرافیایی به یکدیگر مرتبط است. روابط دو کشور با پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۹۷۹ رو به سردی و تنش بیشتر گرایید و درنهایت با امضای پیمان کمپ‌دیوید قطع شد. یافته‌های مقاله حاکی از آن است که از میان عوامل گوناگون مؤثر در واگرایی دو کشور، چند عامل از برجستگی خاصی برخوردارند. ماهیت و

جهت‌گیری سیاسی متعارض نظام‌های سیاسی ایران و مصر در سطح داخلی، مسائلی همچون قضیه فلسطین و پیمان کمپ دیوید در سطح منطقه‌ای، نگاه متفاوت دو کشور به ساختار حاکم بر نظام بین‌الملل و شرایط آن، و نحوه برخورد با قدرتهای بزرگ (نگاه منفی ایران به غرب در برابر نگاه مثبت مصر به غرب) در سطح بین‌المللی می‌توانند به‌عنوان مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار در واگرایی دو کشور محسوب شوند.

جاودانی مقدم و شفیعی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «پارادوکس واهمگرایی در روابط خارجی ایران و مصر پس از انقلاب اسلامی (۲۰۱۴-۱۹۷۹)» اذعان داشتند مصر با قرارگرفتن در تقاطع سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا و پیشینه و ظرفیت رهبری جهان عرب، یکی از مهم‌ترین کشورهای منطقه خاورمیانه است که ضرورت تعامل سیاسی با آن بر کلیه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای پوشیده نیست. این مقاله پاسخ به این سؤال را مدنظر قرار داد که مهم‌ترین علل واهمگرایی در روابط ایران و مصر پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران چه بوده است؟

در این زمینه اگرچه به نظر می‌رسد که واگرایی در روابط ایران و مصر تحت‌تأثیر برداشت‌ها و سیاست‌های متفاوت نظام‌های سیاسی حاکم بر دو کشور نسبت به مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی و نگرانی مقامات مصر از تأثیر صدور انقلاب اسلامی بر جامعه داخلی مصر شکل گرفته و نقش آمریکا و اسرائیل در واگرایی دو کشور از مهم‌ترین دلایل تنش و تعارض در روابط آنان در سال‌های اخیر بوده است؛ اما تعارضات نگرش و رفتار گفتمانی نظام‌های سیاسی حاکم بر دو کشور متأثر از تفاوت مبانی ارزشی، هنجاری و هویتی دو نظام سیاسی ایران و مصر، مهم‌ترین عامل در واگرایی دو کشور و موانع اصلی همگرایی آنان به‌حساب می‌آیند.

نوری غلامی‌زاده و امیری (۲۰۲۰) در پژوهش مشترک با عنوان «کمک آمریکا به مصر و تأثیر آن بر روابط مصر و ایران» اشاره کردند مصر یک کشور استراتژیک برای ایالات‌متحده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که آمریکا پس از ریاست‌جمهوری ناصر و از اواخر دهه ۱۹۷۰، کمک‌های نظامی و اقتصادی قابل‌توجهی به مصر برای پیگیری منافع خود در خاورمیانه ارائه کرده است. این موضوع نشان می‌دهد که نفوذ بی‌وقفه ایالات‌متحده در

محافل قدرت مصر با کمک‌های خارجی ادامه دارد. ایالات متحده از این کمک‌ها به‌عنوان ابزاری تأثیرگذار جهت کنترل مصر و پیگیری اهداف خود در کشورهای خاورمیانه، از جمله ایران استفاده می‌کند.

اکسلرود (2011) در مقاله «کمک به‌عنوان اهرم؟ درک روابط نظامی ایالات متحده و مصر» بیان داشته است در چند سال گذشته، هر یک از این نظامیان در منطقه از ایالات متحده کمک و آموزش دریافت کردند. در این زمینه، مصر بیشترین دریافت را از زمان امضای معاهده صلح با اسرائیل در سال ۱۹۷۹ داشته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که آمریکا از کمک‌های نظامی به‌عنوان اهرمی برای تحت فشار قرار دادن ارتش مصر برای اصلاحات سیاسی موردنظر خود استفاده می‌کند. از این منظر، ارتش مصر در کنار مردم نیست و به دلیل وابستگی به کمک‌های آمریکا به تعهدات سیاسی خود در خارج از کشور، یعنی صلح پایدار با رژیم صهیونیستی احترام خواهد گذاشت.

همان‌طور که در آثار فوق نمایان است، اغلب پژوهش‌ها بر روابط آمریکا و مصر به دلیل اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک مصر تمرکز کرده‌اند که پیامدهای واگرایانه‌ای بر روابط مصر و جمهوری اسلامی ایران دارد. در تفاوت با این پژوهش‌ها، مقاله پیش‌رو در نظر دارد تا نسبت به اثرات سلبی کمک‌های خارجی آمریکا بر روابط مصر و ج.ا.ایران در دوره ریاست جمهوری السیسی تأکید کند، موضوعی که خلأ بررسی آن در گذشته وجود دارد.

۳. مبانی نظری پژوهش

کمک‌های خارجی یک جزء اساسی از دیپلماسی تحول‌آفرین است (اندریسون، ۲۰۱۴: ۱). ادبیات مربوط به کمک‌های خارجی بسیار گسترده است. اثربخشی یا انگیزه‌های تخصیص کمک‌های خارجی بر هدف شکل دادن به نحوه استفاده از کمک‌های خارجی در آینده تأکید دارد. برای ارزیابی کافی اثربخشی کمک‌های خارجی، انگیزه‌ها باید روشن شود.

بیشتر ادبیات کمک‌های خارجی به کمک‌های خارجی دوجانبه می‌پردازد. عمده تفاوت در ادبیات، حول محور اهداکنندگان در نظر گرفته شده، دوره زمانی پوشش داده شده و متغیرهای مورد استفاده است (بوسل^۱، ۲۰۱۵: ۵-۶). اهداف این کمک‌ها را می‌توان به صورت «تغییرات اساسی در حکومت و ظرفیت نهادی، ظرفیت انسانی و ساختار اقتصادی که یک کشور را قادر می‌سازد تا بیشتر اهداف اقتصادی و اجتماعی را حفظ کند، ترویج کرد. به شکل خلاصه، ثبات سیاسی، آزادسازی اقتصادی و گسترش نفوذ در کشور دریافت‌کننده کمک افزایش می‌یابد (اندریسون، ۲۰۱۴: ۳).

به اعتقاد سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۲، کمک‌های خارجی شامل جریان‌های مالی، فنی و کالایی با هدف زیرساخت‌ها و خدمات اجتماعی (مانند آموزش و بهداشت)، زیرساخت‌های اقتصادی (مانند حمل‌ونقل، انرژی، خدمات مالی) تولید (مانند کشاورزی، معدن)، کمک‌های بشردوستانه (بلایای طبیعی)، حمایت چندبخشی (محیط زیست)، کاهش بدهی و حمایت از برنامه بودجه می‌شود و از کمک‌های نظامی متمایز است. کمک‌کنندگان، کمک‌های خارجی را در موضوعات مختلف (مانند توسعه، کمک‌های بشردوستانه، نهادها و ظرفیت‌سازی) و از راه‌های مختلف (مانند دوجانبه و چندجانبه) هدایت می‌کنند، اما منافع و ترجیحات آنها بر روابط کمک‌رسانی غالب است (اسکات^۳، ۲۰۲۰).

دیپلماسی بین‌المللی در حال استفاده روزافزون از مؤلفه اقتصادی خود در قالب کمک و همکاری دولت به دولت است. اگرچه کمک‌های خارجی جزء ضروری استراتژی‌های توسعه کشورهای فقیرتر است، اما تقریباً هرگز بدون قید و شرط نیست و توسط کشورهای ثروتمندتر یا از نظر فنی پیشرفته‌تر برای قدرت‌نمایی و تأمین منافع سیاسی و اقتصادی خود استفاده می‌شود که در برخی مواقع به ضرر دریافت‌کنندگان کمک است (بیندرا^۴، ۲۰۱۸: ۱۲۳). بسیاری از تحقیقات نشان می‌دهد که کمک‌کنندگان به‌طور قابل توجهی، محاسبات استراتژیک در تصمیمات خود دارند و انتظار دارند که با ارائه کمک، سود سیاسی نصیبشان

1. Bussell
2. OECD
3. Scott
4. Bindra

شود. در واقع عوامل امنیتی و استراتژیک مانند صف‌بندی‌های ایدئولوژیک، استقرار نظامی و پایگاه‌ها همگی بر تصمیمات مبتنی بر کمک خارجی تأثیر می‌گذارد (رودلوف و اسکات^۱، ۲۰۱۴: ۳۷).

در تعریف کمک خارجی اعتقاد بر این است که انتقال پول، کالاها و خدمات از یک کشور به کشور دیگر صورت می‌گیرد و شامل کمک‌های بشردوستانه خارجی، امرارمعاش، نظامی، رشوه، پرستیژ و توسعه اقتصادی می‌شود. از این موارد، فقط کمک‌های خارجی بشردوستانه است که به‌خودی‌خود غیرسیاسی است. کمک‌هایی که دولت‌ها به‌طور سنتی به کشورهایی که قربانی بلایای طبیعی هستند، مانند سیل، قحطی و بیماری‌های همه‌گیر رخ می‌دهد (مورگنتا^۲، ۱۹۶۲: ۳۰۱). اگرچه واضح است که برنامه کمک خارجی جنبه بشردوستانه قابل توجهی دارد، به همان اندازه واضح است که این برنامه برای تأمین منافع سیاسی طراحی شده است. در این مورد، باید یک تمایز بین منافع سیاسی کوتاه‌مدت و بلندمدت ایجاد شده، وجود داشته باشد. کمک مالی به یک کشور ممکن است بر اساس ملاحظات سیاسی کوتاه‌مدت مانند کمک برای سرکوب یک شورش وجود داشته باشد، همان‌طور که در مورد برنامه کمک اولیه ایالات‌متحده در یونان اتفاق افتاد. از سوی دیگر، تخصیص بودجه برای کمک‌های خارجی به کشورها ممکن است بر اساس منافع بلندمدت مانند ترویج توسعه نهادهای دموکراتیک در یک کشور به منظور اطمینان از ماندن یا ورود کشور به «دنیای لیبرال» باشد. این نوع توسعه بلندمدت به‌عنوان «توسعه سیاسی» شناخته می‌شود (لین^۳، ۱۹۸۳: ۲۰۱۸).

با این وجود، کشورها به دلایل زیادی از جمله دستیابی به اهداف استراتژیک، کمک خارجی می‌کنند. تحقیقات نشان می‌دهد که رقابت‌ها تأثیر معناداری بر تخصیص کمک‌های خارجی، نه تنها در موقعیت‌های رقابت مستقیم (یعنی رقبا کمتر تمایل به دریافت کمک دارند)، بلکه در موقعیت‌های رقابت غیرمستقیم (یعنی دریافت‌کنندگان بالقوه در نزدیکی

-
1. Rudloff and Scott
 2. Morgenthau
 3. Lynne

رقبا یا با رقابت مشترک با اهداکننده، احتمال بیشتری برای دریافت کمک دارند) دارد (رودلوف و اسکات، ۲۰۱۴: ۳۵). تحت این شرایط، بسیاری از کمک‌های خارجی در ماهیت رشوه محسوب می‌شود و ناگزیر انتظاراتی را در ارائه‌دهنده و گیرنده ایجاد می‌کند که قابل نادیده گرفتن نیست. هر دو طرف می‌دانند که چه انتظاری از یکدیگر دارند (مورگنتا، ۱۹۶۲: ۳۰۲).

هانس. جی. مورگنتا این را شکل بسیار ناکارآمد از خرید نفوذ سیاسی می‌داند؛ زیرا در دیدگاه رئالیستی این امکان وجود ندارد افرادی که در قدرت هستند، برای ایدئال توسعه اقتصادی کشورهای توسعه‌نیافته تلاش کنند (تارنوف و لوسن^۱، ۲۰۱۱: ۵). در نتیجه، هر دو ممکن است، از نظر توسعه اقتصادی انتظار نتایجی را داشته باشند که در ماهیت آن، امکان رسیدن به آن وجود نداشته باشد. بنابراین هر دو به احتمال زیاد ناامید می‌شوند، هدیه‌دهنده او را سرزنش می‌کند و گیرنده برای ناکارآمدی خود و تهمت کمک‌کننده، او را به بخل و طلب بیشتر متهم می‌کند. از این رو، چنانچه رشوه‌خواری در پوشش کمک برای توسعه اقتصادی پنهان شود، آسیب‌زا است؛ حتی زمینه نظامی که چنین کمک‌هایی در آن عمل می‌کنند، هرچند اداره مستقیم آن در دست مقامات غیرنظامی است، به احتمال زیاد چنین کمکی را از اهداف اصلی آن منحرف کند. به‌ویژه، این امر تمایل همیشگی به تابع کردن نیازهای کمک برای توسعه اقتصادی را تقویت می‌کند (مورگنتا، ۱۹۶۲: ۳۰۳).

نتایج نشان می‌دهد که وقتی دریافت‌کنندگان و اهداکنندگان کمک‌های خارجی، رقیب کشور ثالثی هستند، افزایش کمک‌های خارجی به دریافت‌کننده به افزایش تعارض بین گیرنده و رقیب شخص ثالث منجر می‌شود. تحت این شرایط، به نظر می‌رسد اهداکنندگان مقدار بیشتری از کمک‌ها را به گیرندگانی که در نزدیکی و همسایگی رقبای آنها هستند و دولت‌هایی که رقابت مشترک با اهداکننده دارند، اختصاص می‌دهند (رودلوف و اسکات، ۲۰۱۴: ۳۵).

به گفته رادلوف، اسکات و بلو، رقابت غیرمستقیم شامل رقابت کشورهای کمک‌کننده هستند که ممکن است به افزایش کمک به کشورهایی منجر شود که در رقابت مشترک یا در نزدیکی رقیب اهداکننده قرار دارند. سه عامل محوری در رقابت غیرمستقیم وجود دارد:

- رقابت رایج «رقیب رقیب من»، یا موقعیت‌هایی که در آن دولت‌های شخص ثالث درگیر رقابت با رقیب یک قدرت بزرگ هستند؛
- همسایگان رقیب یا موقعیت‌هایی که در آن کشورهای ثالث در مجاورت جغرافیایی رقیب یک قدرت بزرگ قرار دارند.
- موقعیت‌های همسایه و رقیب یا موقعیت‌هایی که به‌طور ترکیبی با دو شرط اول همزمان هستند- یعنی زمانی که یک کشور ثالث از نظر جغرافیایی به رقیب مستقیم یک کشور بزرگ نزدیک است و رقابت مشترکی با قدرت اصلی دارد (رودلوف و اسکات، ۲۰۱۴: ۳۸).

همان‌طور که اشاره شد، کمک‌های مالی خارجی به رقبای مستقیم بسیار بعید است. با این حال، «عوامل رقابت غیرمستقیم» بر تخصیص کمک‌ها بسیار مهم تلقی می‌شود و در نتیجه بر رفتار متعارض نیز تأثیر می‌گذارد. موضوعی که می‌تواند در فهم کمک خارجی آمریکا به مصر، برای کاهش نفوذ و تضعیف ج.ا.ایران مورد ارزیابی قرار گیرد.

۴. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از منظر هدف، تحقیقی کاربردی محسوب می‌شود؛ چراکه سعی دارد نتایج حاصل از این تحقیق را مورد استفاده عملی قرار داده و با کمک نتایج آن، چالش‌های موجود در روابط ج.ا.ایران و مصر رفع شوند. با این وجود، پژوهش حاضر از منظر گردآوری اطلاعات تحقیقی توصیفی-تحلیلی است که به‌صورت مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی شامل کتاب‌ها، مقالات تخصصی و اینترنت بوده است.

۵. یافته‌های پژوهش و تجزیه و تحلیل داده‌ها

۵-۱. پیشینه تاریخی، شاخص‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی مصر در روابط با آمریکا تا نوامبر ۱۹۶۴، ایالات متحده کمک‌های مالی قابل توجهی برای مصر اختصاص داده بود؛ اما این کمک‌ها، به دلیل یکسری حوادث بین دو کشور از جمله حمله شورشیان به سفارت ایالات متحده در قاهره و سرنگونی تصادفی یک هواپیما آمریکایی توسط نیروهای مصری متوقف شد. علاوه بر این، ناصر در ۶ ژوئن ۱۹۶۷ روابط دیپلماتیک دو کشور را قطع کرد. او ایالات متحده را به ایفای نقش در حمله غافلگیرانه رژیم صهیونیستی به فرودگاه‌های مصر و آغاز جنگ در سال ۱۹۶۷ متهم کرد. به عبارت دیگر، تمایل ناصر جهت دستیابی به توافق با رژیم صهیونیستی، تنها وسیله برای دستیابی به خواسته‌های او بود که بازسازی روابط با آمریکایی‌ها را پدید آورد (اورن^۱، ۲۰۰۲: ۴۲-۴۳). تاریخ مصر و رژیم صهیونیستی شامل چهار جنگ و صدها حادثه مرزی است که جان‌ده‌ها هزار نفر را گرفته است. به نظر می‌رسد تنها به قدرت رسیدن رهبری در قدوقواره انور سادات می‌توانست به این امر پایان دهد؛ زیرا جمال عبدالناصر، حاضر به برقراری هرگونه روابط سیاسی با اسرائیل نبود (یاهل^۲، ۲۰۱۶: ۱).

به بیان دقیق، پس از جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۷۳ و شروع ریاست انور سادات، روند صلح میان مصر و رژیم صهیونیستی اهمیت بیشتری پیدا کرد. سادات معتقد بودند که پیش‌نیاز اصلی توسعه مصر، توقف درگیری اعراب و رژیم صهیونیستی است (نوری غلامی‌زاده و امیری^۳، ۲۰۲۰: ۴۱۸). بنابراین، اتحاد استراتژیک با شوروی تعلیق شد و مصر به یکی از متحدان ایالات متحده تبدیل گردید (بیات و بهمن، ۲۰۰۲: ۳۰۸). دستاورد چنین موقعیتی، دریافت نزدیک به ۸۰ میلیارد دلار کمک نظامی و غیرنظامی در اواخر دهه ۱۹۷۰، بازدیدهای منظم در سطح بالا از واشنگتن و حمایت دیپلماتیک آمریکا در مورد اهمیت کشور مصر به‌عنوان یک شریک استراتژیک برای سرمایه‌گذاری بوده است

1. Oren
2. Yahel
3. Nourigholamizadeh & Amiri

(هوسورن و میلر^۱، ۲۰۲۰: ۲). به باور مقامات ارشد ایالات متحده در بیش از چهل سال گذشته، مصر همچنان «شریک کلیدی این کشور» در جهان عرب است (هوسورن و میلر، ۲۰۲۰: ۱۲). این موضوع از جهات ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی بسیار حائز اهمیت است. از نظر جغرافیایی، ژئوپلیتیک به شکل‌گیری ماهیت سیاست خارجی مصر کمک کرده است؛ زیرا موقعیت استراتژیک این کشور به‌عنوان پل زمینی بین آسیا و آفریقا و یک پیوند میان دو آبراه اصلی، یعنی دریای مدیترانه و اقیانوس هند ایجاد کرده است. این عامل، یک موقعیت استراتژیک سیاسی برای مصر فراهم می‌کند که مرکز سه «حلقه آفریقایی، عربی و اسلامی» را تشکیل می‌دهد (نوری غلامی زاده و امیری، ۲۰۲۰: ۴۱۲). اهمیت این موضوع تا آنجاست که در سال ۲۰۱۶، نزدیک به ۴ میلیارد بشکه در روز نفت خام از این کانال در هر دو جهت عبور کرد (شارپ^۲، ۲۰۱۸: ۱). در این راستا، ذکر این نکته حائز اهمیت است که منافع سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه و منطقه خلیج فارس همیشه ذیل سه مؤلفه وجود داشته است: اقتصاد، امنیت و سیاست. عراق‌آمیز نیست که بر محوریت منابع انرژی در بخش اقتصادی به‌عنوان یک عامل غالب تأکید کنیم. در این زمینه، تضمین دسترسی به انرژی و جریان نفت برای رونق اقتصادی جهان حیاتی است و حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به مسائل امنیتی ایالات متحده انگیزه بیشتری بخشید (مصلازاد^۳، ۲۰۱۳: ۱۱۵)

طبق این خصیصه، دولت مصر از ایالات متحده در عملیات نظامی خاورمیانه و همکاری با اطلاعات آمریکا برای مقابله با گروه‌های افراطی در منطقه حمایت می‌کند. همکاری مصر به ارتش ایالات متحده این امکان را داد که سطح بالایی از سرعت عملیاتی را در منطقه حفظ کند. در این رابطه، مصر به صدها کشتی نیروی دریایی ایالات متحده در حین عبور از کانال سوئز و پرواز بر فراز آن و در صورت نیاز، عملیات سوخت‌گیری،

-
1. Hawthorne & Miller
 2. Sharp
 3. Mossalanejad

خدمات ارائه می‌کند (دون^۱، ۲۰۱۴: ۶) و امنیت آنها را افزایش می‌دهد؛ به طوری که این کشور با تسلط بر کانال سوئز که از طریق آن، نزدیک به ۱۰ درصد از تجارت دریایی جهان (کوهن^۲، ۲۰۱۹: ۱) و ۷ درصد نفت جهان ترانزیت می‌شود (شارپ^۳، ۲۰۲۲: ۱)، در جریان عملیات طوفان صحرا، ترانزیت ۷۶۲ کشتی نیروی دریایی ایالات متحده را تسریع کرد و اجازه ۳۴۹۵۲ پرواز را داد. پس از حملات ۱۱ سپتامبر و از طریق عملیات در افغانستان و عراق، مصر بیش از ۳۶۰۰۰ پرواز را از طریق دسترسی به خاک خود در سال ۲۰۰۳ مجاز دانست (اکسلرود^۴، ۲۰۱۱: ۲-۳). همچنین از نفوذ تروریست‌ها در سینا یا در جاهای دیگر به‌منظور هدف قرار دادن آمریکایی‌ها یا متحدان ایالات متحده جلوگیری می‌کند (دون، ۲۰۱۴: ۵). چراکه برای چندین دهه، مصر یک منطقه حیاتی برای جنبش جهادی بین‌المللی بوده است و ساکنان مصری نقش برجسته‌ای در حملات تروریست‌ها علیه اهداف محلی، منطقه‌ای و ایالات متحده داشته‌اند، از جمله اعضای مصری القاعده، بازیگران اصلی در حملات ۱۱ سپتامبر بودند (هوسورن و میلر، ۲۰۲۰: ۲).

مصر برای ایالات متحده و ثبات این کشور اهمیت راهبردی دارد. به طوری که این کشور با جمعیت بیش از ۱۰۴ میلیون نفر، به‌عنوان بخش اصلی جهان عرب، بزرگترین کشور عرب‌زبان با مراکز فکری و سیاسی مدرن محسوب می‌شود (شارپ^۵، ۲۰۲۳: ۱). به‌عنوان مثال، اتحادیه عرب ۲۲ عضوی و دانشگاه الازهر که بر اساس ادعاهای قدیمی‌ترین دانشگاه عرب محسوب می‌شود، به‌عنوان منابع برجسته اسلامی از اهمیت نمادین برخوردارند که هردو در قاهره قرار دارند (شارپ، ۲۰۱۸: ۱). لاجرم مصر به‌عنوان مرکز تمدن اسلامی شناخته می‌شود. در حال حاضر، قاهره سریع‌ترین شهر در حال رشد در جهان با رشد جمعیت مورد انتظار نیم میلیون نفر در سال است و یکی از بزرگترین ارتش‌ها را داراست (حداد^۶، ۲۰۱۸: ۲). مصر علیرغم داشتن بیشترین جمعیت در خاورمیانه که رتبه اول را

1. Dunne
2. Cohen
3. Sharp
4. Axelrod
5. Sharp
6. Haddad

دارد، پنجمین اقتصاد بزرگ منطقه از نظر تولید ناخالص داخلی است و از نظر حجم تجارت سال ۲۰۱۸، در رتبه ۶۵ قرار دارد و بزرگترین شریک تجاری ایالات متحده با ۷.۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ بوده است. ایالات متحده مازاد تجاری نسبت به مصر دارد و گندم و ذرت، سوخت معدنی و روغن، ماشین‌آلات، هواپیما و محصولات آهن و فولاد را صادر می‌کند. واردات ایالات متحده شامل پوشاک، گاز طبیعی و نفت، کود، منسوجات و محصولات کشاورزی است. با توجه به راهنمای تجاری کشور مصر و وزارت بازرگانی ایالات متحده، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مصر در سال ۲۰۲۳، ۹.۴ میلیارد دلار بوده است (شارپ، ۲۰۱۹: ۲۱ و شارپ، ۲۰۲۳: ۱۹).

همچنین مصر به لحاظ موقعیت استراتژیک با رژیم صهیونیستی هم‌مرز است (هوسورن و میلر، ۲۰۲۰: ۲) و به دنبال فرصت‌های توسعه بازار و تأمین شهرک‌سازی با رژیم صهیونیستی است (نوری غلامی‌زاده و امیری، ۲۰۲۰: ۴۱۹). در واقع، یکی از موارد و منافع حائز اهمیت، صلح اعراب و رژیم صهیونیستی است. از زمان میانجیگری پیمان صلح بین مصر و رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۷۹، ایالات متحده، مصر را ترغیب کرد که به تعهدات خود در معاهده پایبند باشد و از مصر برای دستیابی به رهبری ایالات متحده در حل و فصل مناقشه گسترده‌تر اعراب و رژیم صهیونیستی کمک خواست (هوسورن و میلر، ۲۰۲۰: ۲). معاهده صلح ۱۹۷۹ مصر با رژیم صهیونیستی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین معاهده‌های دیپلماتیک، دستاوردهایی برای ترویج صلح اعراب و رژیم صهیونیستی باقی گذاشته است. در حالی که روابط مردم با مردم سرد است اما رژیم صهیونیستی و مصر همکاری خود را علیه شبه‌نظامیان اسلام‌گرا و بی‌ثباتی در شبه‌جزیره سینا و نوار غزه افزایش داده‌اند (شارپ، ۲۰۱۸: ۱).

بدین‌سان، می‌توان استدلال کرد که مصر شریک کلیدی در مقابله با تهدیدات احتمالی برای ایالات متحده و متحدان است (کوهن، ۲۰۱۹: ۱) و ایالات متحده تحت تأثیر نفوذ ژئواستراتژیک مصر بر منطقه سیاسی، اقتصادی و امور نظامی قرار دارد. تا آنجا که به نظر می‌رسد، حفظ منافع امریکا و عمل به تعهدات مصر بر اساس پیمان صلح ۱۹۷۹، به الگویی

برای همکاری در منطقه تعیین یافت. در مقابل، ایالات متحده نیز به دنبال تقویت ثبات در مصر به‌عنوان یک هدف اساسی و به‌منظور حفاظت از منافع امنیتی که در فوق ذکر شد، بوده است و از مهم‌ترین سازوکارهای رسیدن به این هدف، وابستگی اقتصادی- نظامی مصر در قالب کمک‌های خارجی ایالات متحده امریکا است.

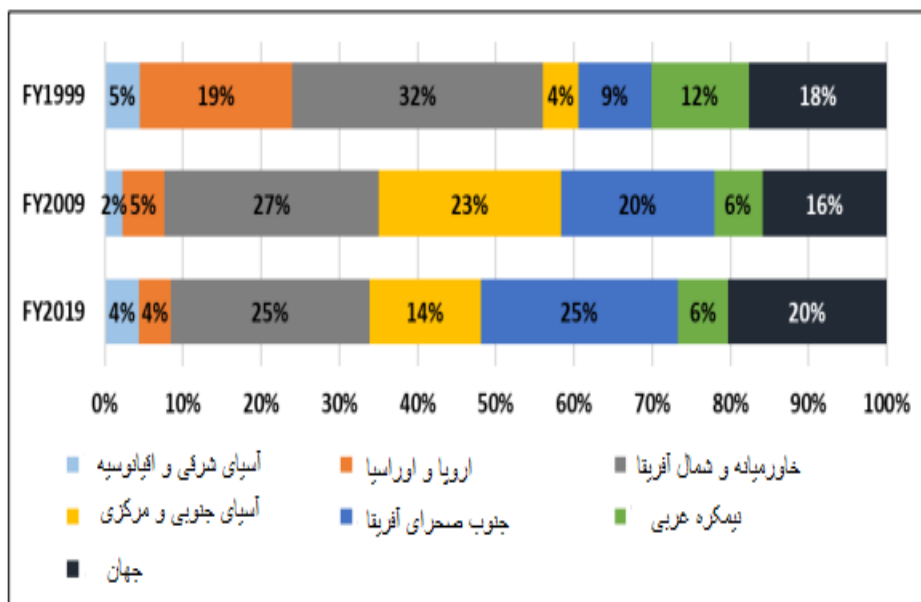
۲-۵. جایگاه کمک‌های خارجی در سیاست خارجی ایالات متحده امریکا

کمک خارجی ایالات متحده بزرگترین جزء بودجه امور بین‌الملل طی چندین دهه است که توسط بسیاری از کشورها، به‌عنوان ابزار اساسی سیاست خارجی ایالات متحده تلقی می‌شود (تارنوف و لوسن، ۲۰۱۱: ۱) این امر می‌بایست در راستای حفظ ثبات سیاسی- اقتصادی در جهان ارزیابی گردد (لین، ۱۹۸۳: ۲۱۳). با نگاهی به تاریخچه کمک‌های خارجی ایالات متحده که به‌عنوان رکن سوم امنیت ملی، در کنار دفاع و دیپلماسی محسوب می‌شود (تارنوف و لوسن، ۲۰۱۱: ۱)، سه هدف کلی ظاهر می‌شود: ثبات سیاسی، افزایش آزادسازی اقتصادی و گسترش نفوذ در کشور دریافت‌کننده کمک (اندریسون، ۲۰۱۴). در این رابطه، کاندولیزا رایس، اعتقاد دارد که «کمک‌های اقتصادی از شفافیت بسیار کمتر و پیچیده‌تری برخوردارند. درحالی‌که یکی از اهداف کمک‌های اقتصادی تشویق توسعه در کشور دریافت‌کننده است، اهداف دیگر کمک‌های اقتصادی، پیشبرد منافع امنیتی یا رفاه اقتصادی اهداکننده است. موضوعی که مورد توجه ایالات متحده است» (اندریسون، ۲۰۱۴: ۱۷).

درعین‌حال، برخی از امریکایی‌ها و اعضای کنگره، کمک‌های خارجی را هزینه‌ای می‌دانند که ایالات متحده نمی‌تواند با توجه به کسری بودجه فعلی و اولویت‌های بودجه رقیب از عهده این کار برآید (مورگنسترن و برون، ۲۰۲۲: ۱).

امروزه رشوه سیاسی، تداعی‌گر پوشش کمک برای توسعه اقتصادی است و کمک به توسعه اقتصادی در پوشش کمک نظامی ظاهر می‌شود (مورگنتا، ۱۹۶۲: ۳۰۳) که منحصراً با ارتش ایالات متحده سروکار دارد و شامل کمک‌های مالی برای خرید تجهیزات نظامی، تأمین مالی- اعتباری فروش نظامی و آموزش و پرورش نظامی می‌شود. کمک‌های نظامی هم

به اهداف ژئوپلیتیک ایالات متحده مانند تقویت شرکای ایالات متحده در سراسر جهان، و همچنین به ترویج منافع تجاری ایالات متحده کمک می‌کند. در واقع، کمک‌های نظامی جهت تقویت قدرت متحدان ایالات متحده و بهبود روابط کشور ذینفع با ایالات متحده ارائه می‌شود و به‌طور مستقیم حمایت از منافع تجاری ایالات متحده در ساخت و فروش تجهیزات نظامی را در پی دارد (اندريسون، ۲۰۱۴: ۱۶).



نمودار شماره ۱. توزیع منطقه‌ای کمک‌های مالی امریکا (۱۹۹۹، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۹) (مورگنسترن و برون، ۲۰۲۲: ۲۱)

در این راستا و در سال مالی ۲۰۱۹، کمک‌های خارجی ایالات متحده، که به‌طور کلی تعریف شده است، در مجموع ۴۸.۱۸ میلیارد دلار یا ۱ درصد برآورد شده است. کل اختیار بودجه فدرال حدود ۴۱ درصد از این کمک‌ها برای برنامه‌های توسعه اقتصادی دوجانبه از جمله کمک‌های اقتصادی استراتژیک؛ ۳۵ درصد برای کمک‌های امنیتی نظامی و غیرنظامی؛ ۲۰ درصد برای فعالیت‌های بشردوستانه؛ و ۴ درصد برای حمایت از اقدامات نهادهای چندجانبه بوده است. کمک می‌تواند به شکل انتقال نقدی، تجهیزات و کالا، زیرساخت‌ها، آموزش و پرورش و یا کمک‌های فنی باشد، و در دهه‌های اخیر تقریباً به‌طور

انحصاری، بر مبنای کمک مالی به‌جای وام بیشتر ارائه می‌شود. به‌بیان دیگر، ایالات متحده بزرگترین کمک‌کننده خارجی در جهان است که نزدیک به ۲۳ درصد از کل جایگاه‌های کمک‌های توسعه‌ای از سوی دولت‌های کمک‌کننده اصلی در سال ۲۰۱۹ را به خود اختصاص داده است (مورگنسترن و برون، ۲۰۲۲: ۱).

FY1999		FY2009		FY2019	
Israel	3,030.4	Afghanistan	8,964.4	Afghanistan	4,893.4
Egypt	2,214.0	Iraq	5,694.4	Israel	3,308.5
Russia	1,601.8	Israel	2,423.3	Jordan	1,723.3
Jordan	381.9	Egypt	1,989.9	Egypt	1,467.0
Colombia	325.5	Pakistan	1,174.2	Iraq	959.3
Ukraine	287.8	Sudan	1,156.8	Ethiopia	922.8
Indonesia	256.7	West Bank and Gaza	1,040.3	Yemen	809.8
Peru	231.3	Ethiopia	865.1	Colombia	800.7
Bangladesh	229.7	Colombia	863.6	Nigeria	794.0
Bosnia and Herzegovina	220.6	Jordan	828.3	Lebanon	791.0
Serbia and Montenegro	190.2	Kenya	770.1	DRC	781.1
India	186.7	Georgia	621.9	Kenya	758.9
Dem. Rep. of Korea	176.5	South Africa	591.2	Uganda	753.9
Ethiopia	144.7	Russia	535.9	Pakistan	684.8
Bolivia	139.6	Burkina Faso	503.9	South Sudan	675.5

شکل شماره ۲. دریافت‌کنندگان برتر کمک‌های خارجی ایالات متحده (۱۹۹۹، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۹)

(مورگنسترن و برون، ۲۰۲۲: ۲۰)

هدف کلی کمک‌های ایالات متحده در قرن بیست و یکم این است که کشورهای خارجی را طوری توسعه دهد که حوزه نفوذ ایالات متحده گسترش یابد. این اهداف باید به‌صورت «تغییرات اساسی در حکومت و ظرفیت نهادی، ظرفیت انسانی و ساختار اقتصادی که یک کشور را قادر می‌سازد تا بیشتر اهداف اقتصادی و اجتماعی را حفظ کند، ترویج می‌شود. به شکل خلاصه، ثبات سیاسی، آزادسازی اقتصادی و گسترش نفوذ در کشور دریافت‌کننده کمک افزایش می‌یابد (اندریسون، ۲۰۱۴: ۳).

۳-۵. استراتژی کمک‌های خارجی امریکا در روابط با دولت مصر

۱-۳-۵. کمک‌های اقتصادی و نظامی ایالات متحده امریکا در قبال مصر

مصر پس از رژیم صهیونیستی، یکی از بااهمیت‌ترین و استراتژیک‌ترین روابط را با امریکا در خاورمیانه دارد. آینده مصر نه تنها برای منافع ایالات متحده در خاورمیانه و شمال آفریقا مهم است، بلکه برای امنیت و ثبات منطقه‌ای اساسی است (حداد، ۲۰۱۸: ۲). واشنگتن در راستای اهداف خود در خاورمیانه از اقداماتی نظیر گسترش چتر نظامی خود بر فراز کشورهای دوست در خلیج فارس از طریق حضور نظامی عظیم، همکاری نظامی نزدیک بین اعضای شورای همکاری خلیج فارس و سایر عرب‌های طرفدار امریکا (مصر و اردن به‌عنوان تنها بازیگران قابل دوام در منطقه)، و فروش انبوه سخت‌افزارهای نظامی برای افزایش قابلیت حمایت می‌کند (مصلی‌نژاد، ۲۰۱۳: ۱۲۰). بر این اساس، سیاست خارجی امریکا نسبت به مصر در طول دهه ۱۹۵۰ بر اساس اهداف زیر بود:

(۱) حمایت از دسترسی امریکا و اروپای غربی به نفت در خاورمیانه،

(۲) ترویج آرمان تعیین سرنوشت در منشور آتلانتیک با پایان دادن به حکومت استعماری بریتانیا در سراسر منطقه،

(۳) حمایت از استقلال رژیم صهیونیستی بدون بیگانه کردن کشورهای عربی، و

(۴) جلوگیری از گسترش کمونیسم، به‌ویژه نفوذ شوروی در منطقه.

از این رو، ایالات متحده، مصر را یک رهبر طبیعی در میان کشورهای عربی می‌دانست و عناصر طرفدار غرب در جامعه مصر را تشویق کرد که کشور را به متحد ایالات متحده تبدیل کنند. از آن زمان‌ها، مصر عمدتاً رویکردهای اسلامی را تحت تأثیر منافع قدرت‌های غربی به‌ویژه ایالات متحده قرار داده است. در واقع، در طول دهه‌ها، انواع مختلفی از کمک‌های خارجی ایالات متحده به مصر برای تحقق اهداف ایالات متحده در این کشور استفاده شده است (نوری غلامی زاده و امیری، ۲۰۲۰: ۴۱۲).

ایالات متحده، کمک نظامی و اقتصادی را به مصر از اواخر دهه ۱۹۷۰ ارائه کرده است. دولت‌های متوالی ایالات متحده کمک به مصر را به‌عنوان سرمایه‌گذاری در ثبات منطقه‌ای

توجیه کرده‌اند که اساساً بر پایه همکاری بلندمدت با ارتش مصر و حفظ معاهده صلح ۱۹۷۹ مصر و رژیم صهیونیستی بنا شده است (شارپ، ۲۰۱۸: ۱). به طوری که از اوایل دهه ۱۹۸۰ تا اواخر دهه ۱۹۹۰، کمک‌های اقتصادی ایالات متحده به مصر به مدرن‌سازی مصر، زیرساخت‌های انرژی، مخابرات و فاضلاب کشور کمک کرد. از اواسط تا اواخر دهه ۱۹۹۰، مصر از یک کشور فقیر به کشوری با درآمد متوسط رو به پایین تبدیل شد (شارپ، ۲۰۲۳: ۳۰).

با امضای قرارداد کمپ‌دیوید، سیاست خارجی مصر وارد یک رابطه مثلی ایالات متحده و رژیم صهیونیستی شد. مصر به دلیل توافق کمپ‌دیوید، مقدار زیادی کمک در بخش غیرنظامی به مبلغ ۸۰۰ میلیون دلار و در بخش نظامی ۱.۳ میلیارد دلار در سال از ایالات متحده امریکا دریافت کرد (نوری غلامی‌زاده و امیری، ۲۰۲۰: ۴۱۵) که دومین دریافت‌کننده بزرگ کمک‌های نظامی ایالات متحده (اکسلرود، ۲۰۱۱: ۳) و یکی از ده کشور برتر ایالات متحده است (کوهن، ۲۰۱۹: ۲). از آن زمان، مصر وابستگی اقتصادی به امریکا پیدا کرد و این کمک‌ها توسط ایالات متحده در راستای ثبات منطقه‌ای توجیه گردید (شارپ، ۲۰۱۸: ۱۹).

درواقع، پیمان صلح ۱۹۷۹ بین رژیم صهیونیستی و مصر، آغازگر دوره کنونی حمایت مالی ایالات متحده برای صلح بین رژیم صهیونیستی و همسایگان عرب است. در دو یادداشت جداگانه همراه با معاهده، ایالات متحده، به ترتیب تعهدات خود را در قبال رژیم صهیونیستی و مصر تشریح کردند. در نامه خود به رژیم صهیونیستی، دولت کارتر متعهد شد که «کوشش خواهد کرد تا پاسخگوی نیازهای نظامی و اقتصادی رژیم صهیونیستی باشد.» سپس هارولد براون، وزیر دفاع امریکا در نامه خود به مصر در این باره نوشت: در چارچوب پیمان صلح بین مصر و رژیم صهیونیستی، ایالات متحده آماده است به روابط امنیتی گسترده با مصر در رابطه با فروش تجهیزات و خدمات نظامی و تأمین مالی وارد شود و حداقل بخشی از این فروش، در صورت نیاز مشروط به بررسی و تأیید کنگره است (شارپ، ۲۰۲۲: ۲۸). کمک‌های ایالات متحده امریکا به مصر و رژیم صهیونیستی، در درجه اول برای حفظ ثبات منطقه‌ای بوده است. از آنجایی که هیچ درگیری بعدی بین مصر و رژیم

صهیونیستی رخ نداده و توافقات دوجانبه آنها قوی بوده است، به نظر می‌رسد کمک‌های ایالات متحده در این زمینه کاملاً موفق بوده است (اندریسون، ۲۰۱۴: ۴۲).

از سال ۱۹۸۲، ایالات متحده به مشارکت در حفظ صلح و نظارت بر شبه‌جزیره سینا ادامه داده است. اگرچه روابط نظامی ستون فقرات روابط دوجانبه ایالات متحده و مصر است؛ اما این دو کشور به دنبال فرصت‌هایی برای گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری هستند که متقابلاً سودمند باشند. با وجود داشتن بیشترین جمعیت در خاورمیانه، مصر در رتبه پنجم اقتصاد منطقه براساس تولید ناخالص داخلی (پس از ترکیه، عربستان سعودی، امارات و رژیم صهیونیستی) قرار دارد. در مجموع حجم تجارت در سال ۲۰۲۲، مصر در رتبه ۵۴ قرار دارد و بزرگترین شریک تجاری ایالات متحده با ۹.۴ میلیارد دلار است (شارپ، ۲۰۲۳: ۱۹).

جدول شماره ۱. کمک‌های خارجی ایالات متحده به مصر در سال‌های ۱۹۹۹، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۹ (مورگنسترن و برون، ۲۰۲۲: ۲۰)			
سال مالی	۱۹۹۹	۲۰۰۹	۲۰۱۹
مقدار (میلیون دلار)	۲/۲۱۴/۰	۱/۹۸۹/۹	۱/۴۶۷/۰

به‌عبارتی دیگر، کمک خارجی به‌مثابه نفوذ سیاسی ایالات متحده امریکا در عرصه سیاست خارجی مصر به شمار می‌رود و این کشور به دلایلی مانند ساخت قدرتی که از نقش تعیین‌کننده ارتش نشئت می‌گیرد و عدم اتکا به توانایی مردم و بی‌اعتنایی به استقلال‌خواهی، به عرصه‌ای جهت وابستگی اقتصادی و نظامی به امریکا تبدیل یافت. موضوعی که تداعی‌گر غلبه هویت عربی - غربی بر هویت عربی - اسلامی مصر است.

۲-۳-۵. وابستگی دولت السیسی به کمک‌های خارجی امریکا

کمک مالی، یکی از تاکتیک‌های ایالات متحده در حمایت از مصر است. از سال ۱۹۸۷، ایالات متحده یک بسته کمکی تقریباً ۱.۳ میلیارد دلاری در سال به مصر ارائه کرده است. در مقابل، ایالات متحده انتظاراتی را بر مصر تحمیل می‌کند که شامل «حفظ دسترسی نیروی

دریایی ایالات متحده به کانال سوئز»، حفظ معاهده صلح ۱۹۷۹ رژیم صهیونیستی و مصر و ترویج دموکراسی و رشد اقتصادی در مصر است (حداد، ۲۰۱۸: ۳). به‌طور خلاصه، کمک‌های اقتصادی به‌عنوان رکن اصلی سیاست‌خارجی امریکا جهت مداخله در مصر محسوب می‌شود (نوری غلامی‌زاده و امیری، ۲۰۲۰: ۴۲۳). همه رؤسای جمهور مصر تقریباً روش یکسانی در قبال امریکا در پیش گرفتند تا بتوانند از کمک‌های خارجی این کشور بهره‌مند شوند.

بعد از روی کار آمدن السیسی به واسطه کودتای نظامی در جولای ۲۰۱۳ علیه مرسی به‌عنوان تنها رئیس‌جمهوری که توانست با رأی مستقیم مردم و براساس قانون اساسی انتخاب شود، امکان بازگشت یک حکومت استبدادی به مصر و خروج ایالات متحده را فراهم کرد (حداد، ۲۰۱۸: ۱). به طوری که محدودیت‌هایی را در دولت اواما در قبال مصر رقم زد و نسبت به ارائه کمک‌های خارجی اصلاحاتی را در پیش گرفته شد. در این رابطه، دولت اواما اعلام کرد که کمک‌های بلاعوض در آینده ممکن است فقط برای خرید تجهیزات خاص ضد تروریسم، امنیت مرزی، امنیت سینا، و امنیت دریایی استفاده شود (شارپ، ۲۰۱۸: ۱۹-۲۰). همچنین اواما در اکتبر ۲۰۱۳ اعلام کرد که از تحویل برخی موارد مانند سیستم‌های نظامی در مقیاس بزرگ (مانند F-16، هلیکوپترهای آپاچی، موشک‌های هارپون و MIA1 تانک‌ها) به دولت مصر خودداری می‌کند و در انتظار پیشرفت قابل‌اعتماد به سمت دموکراسی است (شارپ، ۲۰۱۷: ۱۷). سپس ضرورت تضمین امنیت رژیم صهیونیستی، اواما را متقاعد کرد تا کمک‌های نظامی به این کشور را دوباره برقرار کند. این موضوع نشان می‌دهد که مداخله و نفوذ بی‌وقفه استراتژی‌های کلان در تصمیم‌گیری ایالات متحده تأثیرگذار هستند (نوری غلامی‌زاده و امیری، ۲۰۲۰: ۴۳۴).

مصر تاکنون در عملیات استقرار و حفظ صلح در برخی از نقاط جهان با امریکا مشارکت داشته است. همکاری نیروهای دو کشور در برنامه‌های حافظ صلح سازمان ملل از جمله در سومالی، بوسنی هرزگووین، کوزوو و تیمور شرقی، بیانگر عمق روابط استراتژیک آنها است. همچنین مصر و ایالات متحده در مورد مسائل خاورمیانه با یکدیگر همکاری می‌کنند و درصدد هستند که مذاکرات صلح بین رژیم صهیونیستی و ۴ کشور

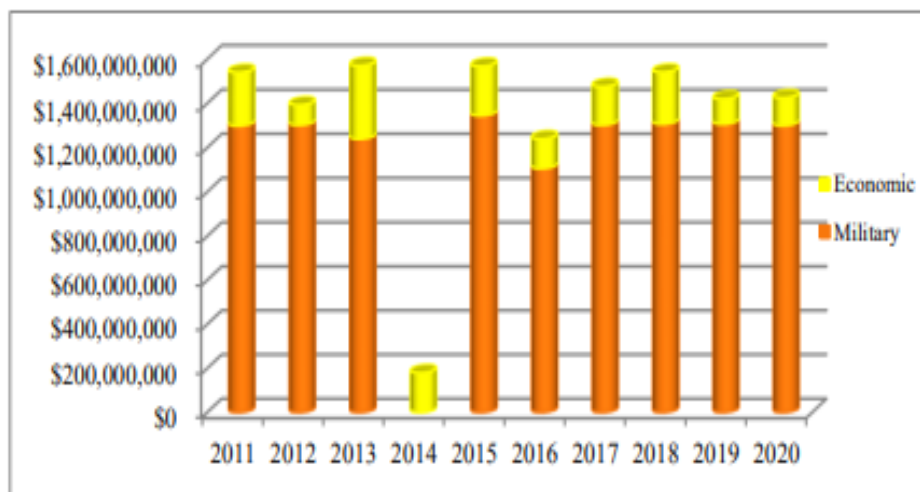
عرب (از جمله پیمان ابراهیم) تداوم یافته و به نتیجه برسد. از سوی دیگر، روابط نظامی دو کشور گسترده است و این همکاری‌ها شامل برخی حوزه‌های استراتژیک، از جمله همکاری در روند نوسازی تسلیحات و آموزش نیروهای مسلح مصر است. یکی از بخش‌های مهم همکاری نظامی، برگزاری مانور «ستاره درخشان» است که هر دو سال یک بار در مصر برگزار می‌شود. استقرار فرماندهی مرکزی مشترک در مصر برای این رزمایش‌ها، نشان‌دهنده دیدگاه مثبت امریکا نسبت به توانایی ارتش آن کشور است (زینلی، ۱۴۰۱: ۱۳۵-۱۳۶).

در ریاست السیسی، ارتش از سیاست خارجی به‌عنوان ابزاری جهت به‌دست آوردن مستقیم کمک اقتصادی استفاده کرد. در این زمینه، مصر بیش از هر چیز به دنبال استفاده از سیاست خارجی برای تضمین پوشش مالی بوده است که جهت جلوگیری از فروپاشی ضروری است. در چنین منظری، مصر روابط اولیه با خیرین اصلی خود را مانند عربستان سعودی و امریکا تقویت کرده است که بقای این کشور به آنها وابسته است (مرینگولو^۱، ۲۰۱۴: ۴). بنا به گزارش‌ها، عبدالفتاح السیسی در اواسط سال ۲۰۱۴، امید زیادی به بهبود روابط دوجانبه از طریق تعامل با دولت ترامپ داشت. ترامپ به دنبال بهبود روابط ایالات متحده با مصر بوده است که در دوره پرزیدنت اوباما تحت فشار تلقی می‌شدند (شارپ، ۲۰۱۸: ۱). به‌عبارتی دیگر، با روی کار آمدن دولت ترامپ، رئیس‌جمهور و دیگر سیاست‌گذاران و مقامات امریکایی، ضعف حقوق بشری مصر را نادیده گرفتند. بنابراین، دولت ترامپ به پیشینانی کمک‌های نظامی و تقویت روابط دوستانه با دولت مصر متمرکز شد (نوری غلامی‌زاده و امیری، ۲۰۲۰: ۴۳۴).

پس از انبوهی از مبادلات در سطح بالا بین رئیس‌جمهور ترامپ و سیسی در سال ۲۰۱۷، روابط ایالات متحده و مصر در سال ۲۰۱۸ تا حدودی آرام‌تر بوده است. به‌طوری که معاون رئیس‌جمهور، پنس در ژانویه ۲۰۱۸ به مصر سفر کرد. در همان ماه، ایالات متحده و مصر توافقنامه‌ای را امضا کردند که به تفاهم‌نامه همکاری و توافقنامه امنیت ارتباطات معروف شد. این قرارداد، استفاده از هواپیماهای حساس امریکایی را محافظت و

سیستم‌های ارتباطی مورد استفاده در تجهیزات نظامی ایالات متحده که می‌تواند در اختیار مصر قرار گیرد، را مدنظر قرار می‌دهد. بر اساس یک روایت، این توافقنامه ممکن است به مصر اجازه دهد تا «سیستم‌ها و اجزای تسلیحات هوا به زمین مبتنی بر GPS با دقت بالا و همچنین موشک‌های هوا به هوای پیشرفته» را بدست آورد (شارپ، ۲۰۱۸: ۱۳). همچنین، السیسی با حمایت از پیمان صلح رژیم صهیونیستی و باز نگه داشتن کانال سوئز با انتظارات امریکا موافقت کرده است (حداد، ۲۰۱۸: ۹). کما اینکه، مصر توانست به واسطه «معامله قرن» مدنظر ترامپ که ضرورت اجبار فلسطینیان برای دادن امتیازهای بزرگ را هدف قرار داده بود، به افزایش اعتبار خود کمک کند (هوسورن و میلر، ۲۰۲۰: ۹).

طبق اظهارات ژنرال جوزف ال ووتل، فرماندهی مرکزی ایالات متحده در کنگره: «مصر از درخواست‌های ما برای پرواز پشتیبانی می‌کند، ترانزیت کانال سوئز را تضمین می‌کند و ما را به اشتراک می‌گذارد، سنگ‌بنای این رابطه کمک‌های امنیتی ما است». در یکی از نمونه‌های تشدید تلاش‌های مشترک، در ژانویه ۲۰۱۸، امضای موفقیت‌آمیز تفاهم‌نامه تعامل دوجانبه ارتباطات و توافقنامه امنیتی به مدت ۳۰ سال منعقد شد (شارپ، ۲۰۱۸: ۱۳). از آغاز سال مالی ۲۰۱۸ کمک‌های امنیتی ایالات متحده به مصر در چهار حوزه ضد تروریسم، امنیت مرزی، امنیت سینا، و امنیت دریایی-و برای حفظ سیستم‌های تسلیحاتی که از قبل در زرادخانه مصر وجود دارد، خلاصه شد (شارپ، ۲۰۱۷: ۷). برای سال مالی ۲۰۱۹، رئیس‌جمهور در مجموع ۱.۳۸۱ میلیارد دلار کمک خارجی برای مصر درخواست کرده است؛ همان مبلغ درخواستی سال قبل که تقریباً تمام بودجه درخواست شده برای مصر بوده است. برای سال مالی ۲۰۱۸، قانون اعتبارات تلفیقی ۲۰۱۸، در مجموع ۱.۴۱۹ میلیارد دلار کمک نظامی و اقتصادی ایالات متحده به مصر ارائه کرد (شارپ، ۲۰۱۸: ۱). مصر علاوه بر روابط نظامی، به‌طور فزاینده‌ای به دنبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتر ایالات متحده در بخش خصوصی بوده است. در این زمینه دولت ترامپ از یک رابطه تجاری «عادلانه و متقابل» بر پایه همکاری و منافع مشترک حمایت کرده است (شارپ، ۲۰۱۹: ۲۱).



نمودار شماره ۲. کمک ایالات متحده برای حفظ منافع در مصر (غلامی زاده و امیری، ۲۰۲۰: ۴۲۹)

سال	نظامی	اقتصادی	مجموع سالانه
۲۰۱۳	۱/۲۳۹/۶۵۹/۵۱۱	۳۳۰/۶۱۰/۰۲۴	۱/۵۷۰/۲۶۹/۵۳۴
۲۰۱۴	۵۲۷/۰۰۰/۰۰۰	۱۷۸/۷۴۸/۱۶۹	۷۵۰/۷۴۸/۱۶۹
۲۰۱۵	۱/۳۴۵/۰۹۱/۹۴۳	۲۲۲/۸۶۴/۴۴۵	۱/۵۶۷/۹۵۶/۳۸۷
۲۰۱۶	۱/۱۲۶/۶۵۸/۷۳۸	۱۳۳/۱۵۰/۳۸۰	۱/۲۵۹/۸۰۹/۱۱
۲۰۱۷	۲۰۱/۱۰۳/۵۹۰	۱۷۳/۲۰۰/۰۰۰	۳۷۴/۳۰۳/۵۹۰
۲۰۱۸	۱/۲۰۰/۵۱۷/۷۶۴	۲۳۴/۲۰۰/۰۰۰	۱/۲۳۶/۷۱۷/۷۶۴
۲۰۱۹	۱/۳۰۶/۰۰۰/۰۰۰	۱۶۱/۰۰۰/۰۰۰	۱/۴۶۷/۰۰۰/۰۰۰
۲۰۲۰	۱/۳۰۲/۰۰۰/۰۰۰	۱۶۹/۱۰۰/۰۰۰	۱/۴۷۱/۱۰۰/۰۰۰

از زمان روی کار آمدن جو بایدن، رئیس جمهور امریکا تلاش کرده رویکردی متعادل در قبال مصر داشته باشد و ضمن تمجید از دیپلماسی مصر، از ادامه سرکوب داخلی توسط السیسی ابراز نارضایتی کرده است. در نوامبر ۲۰۲۱، ایالات متحده و مصر اولین «گفتگوی استراتژیک» را انجام دادند و در صدمین سالگرد برقراری روابط دیپلماتیک ایالات متحده و مصر در سال ۲۰۲۲، طرفین به احیای روابط دوجانبه پرداختند. از تابستان ۲۰۲۲، مصر،

مانند بسیاری از کشورهای با درآمد متوسط پایین توسط بانک جهانی طبقه‌بندی شده است. از این رو، دولت مصر با فشار مالی مواجه شد که دولت مصر را مجبور به ارزیابی مجدد سیاست‌های طولانی‌مدت رجوع به طلبکاران خارجی برای حمایت بیشتر کرده است. همان‌طور که مصر این شوک‌های خارجی را تجربه می‌کند، در تلاش است تا اقتصاد خود را مدرن و خود را به صورت دیپلماتیک در صحنه منطقه‌ای تقویت کند (شارپ، ۲۰۲۲: ۱-۲).

در سال ۲۰۲۳، اقتصاد و امور مالی دولت مصر همچنان به دلیل مخارج کسری داخلی و شوک‌های خارجی، مانند حمله روسیه به اوکراین و افزایش نرخ بهره جهانی با فشارهای جدی مواجه هستند. در واقع، ترکیبی از شرایط نامطلوب بین‌المللی همراه با بدهی‌ها که به هزینه‌های داخلی دامن می‌زند، مصر را به وام‌دهندگان وابسته کرده است. شرایط نامساعد در بازارهای اعتباری بین‌المللی دولت مصر را به رهبری عبدالفتاح السیسی برای مراجعه به مؤسسات مالی بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول و کشورهای ثروتمند و نفت‌خیز شورای همکاری خلیج فارس برای دریافت حمایت مجبور کرده است. از سال ۲۰۱۶ تا اوایل سال ۲۰۲۲، صندوق بین‌المللی پول ۲۰ میلیارد دلار اعتبار به مصر اعطا کرد و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از سال ۲۰۱۳ به مصر ده‌ها میلیارد دلار وام داده است. با این حال، طلبکاران بین‌المللی مصر ممکن است شرایط وام‌دهی خود را در آینده سختگیرتر کنند. نشانه اولیه در پاییز ۲۰۲۲ ظاهر شد، زمانی که صندوق بین‌المللی پول سه میلیارد دلار تسهیلات ۶ ماهه به مصر تمدید کرد که به تعدادی اصلاحات کلیدی، مانند خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی، از جمله شرکت‌های نظامی نیاز دارد. به طور کل، رویکرد دولت بایدن در قبال مصر، ایجاد توازن بین روابط دفاعی آمریکا و مصر بوده و قدردانی ایالات متحده از ادامه روابط همکاری مصر با رژیم صهیونیستی در برابر سوابق مشکل‌ساز حقوق بشر دولت السیسی است. در واقع، پرزیدنت بایدن علناً رئیس‌جمهور السیسی را به دلیل روابط دفاعی قوی دولتش با کشور ایالات متحده تمجید کرد و نقش آن را بین رژیم صهیونیستی و حماس کلیدی دانست. همچنین، دولت بایدن تلاش کرده است تا همکاری ایالات متحده و مصر را فراتر از حوزه نظامی گسترش دهد مانند تمرکز بر

مسائل زیست‌محیطی و حفاظت از آب، به‌ویژه در دوره‌های قبل و بعد کنفرانس یا کنفرانس تغییرات آب‌وهوایی سازمان ملل متحد در نوامبر ۲۰۲۲ که به میزبانی مصر انجام شده است (شارپ، ۲۰۲۳: ۱).

جدول شماره ۳. کمک‌های دوجانبه به مصر بر مبنای میلیون دلار (شارپ، ۲۰۲۲: ۲۷)						
۲۰۲۳	۲۰۲۲	۲۰۲۱	۲۰۲۰	۲۰۱۹	۲۰۱۸	محاسبات
۱۲۵.۰۰	۱۲۵.۰۰	۱۳۰.۰۵	۱۲۵.۰۰	۱۱۲.۵۰	۱۰۶.۸۷	صندوق حمایت اقتصادی
۶.۰۰	-	-	-	-	-	بهداشت جهانی
۱.۳۰۰.۰۰	۱.۳۰۰.۰۰	۱.۳۰۰.۰۰	۱.۱۷۰.۰۰	۱.۳۰۰.۰۰	۱.۳۰۰.۰۰	تأمین مالی نظامی خارجی
۱.۸۰	۱.۸۰	۱.۸۰	۰.۰۰	۱.۸۰	۱.۸۰	آموزش بین‌المللی و آموزش نظامی
-	۰.۰۰	۰.۳۵	۲.۰۰	۲.۰۰	۲.۰۰	کنترل بین‌المللی مواد مخدر و اجرای قانون
۳.۵۰	۳.۵۰	۳.۰۰	۳.۵۰	۳.۰۰	۳.۰۰	منع اشاعه، مبارزه با تروریسم، مین‌زدایی و برنامه‌های مرتبط
۱.۴۳۶.۳۰	۱.۴۳۰.۳۰	۱.۴۳۵.۲۰	۱.۳۰۰.۵۰	۱.۴۱۹.۳۰	۱.۴۱۳.۶۷	کل

شراکت دفاعی ایالات متحده و مصر در طول چند دهه، ستون اصلی ثبات منطقه‌ای است. هر دو رئیس‌جمهور بر اهمیت این شراکت تأکید کردند که در خدمت منافع هر دو کشور است. پرزیدنت بایدن بار دیگر تأکید کرد که ایالات متحده قصد دارد به حمایت خود از مصر در تأمین دفاع از خود ادامه دهد، موضوعی که از طریق تداوم تأمین کمک‌های امنیتی از طریق مشورت با کنگره ایالات متحده انجام می‌شود. هر دو رئیس‌جمهور موضوع تعهد به همکاری در زمینه مبارزه با تروریسم و استقبال از دستاوردهای قابل توجه ائتلاف جهانی برای شکست داعش را تأیید کردند. به‌طوری‌که رئیس‌جمهور السیسی از تجهیزات نظامی و کمک‌های امنیتی ایالات متحده قدردانی کرد. در سپتامبر ۲۰۲۱، ۶۰۰ پرسنل

ایالات متحده در عملیات مشترک به مصر شرکت کردند. در واقع، تمرین آموزشی چندملیتی دوسالانه که توسط ایالات متحده و مصر برگزار می‌شود که از اوایل دهه ۱۹۸۰ به تقویت قابلیت همکاری نیروهای ایالات متحده و مصر کمک کرده است. همچنین در سال ۲۰۲۲، هر دو طرف سی‌وسومین گفتگوی دفاعی خود را برای بحث در مورد امنیت مرزی و دریایی، مبارزه با تروریسم و قابلیت همکاری بین نیروهای امریکایی و مصری برگزار کردند. در مارس ۲۰۲۳، دولت بایدن درخواست سال مالی ۲۰۲۴ را منتشر کرد که توجیه بودجه کنگره برای دولت، عملیات خارجی و موارد مرتبط برنامه‌ها بود. در این رابطه، مشابه سال‌های گذشته، درخواست ۱.۴۳ میلیارد دلار کل کمک‌های امریکا به مصر است (شارپ، ۲۰۲۳: ۱۸ و ۲۳).

وینبام، درباره مصر و سیاست کمک‌های اقتصادی ایالات متحده استدلال می‌کند که برنامه کمک‌های اقتصادی گسترده ایالات متحده برای مصر، به یک رابطه کمک دوجانبه منجر شد که براساس تعامل اهداف سیاسی و توسعه شکل گرفت. وی دریافت که علیرغم ناکامی مصر در ایجاد خوداتکایی اقتصادی بیشتر، کمک‌های ایالات متحده این کشور را قادر ساخته تا به سطحی از مصرف و برنامه‌ریزی توسعه دست یابد که هیچ جایگزین دیگری وجود نداشت. در مقابل، سودمندی برای ایالات متحده ناشی از سیاست‌های خارجی معتدل و دیدگاه‌های سازگاروارانه مصر در مورد تهدیدات استراتژیک برای منطقه است. علیرغم مزایای متقابل این برنامه کمکی، می‌توان استدلال کرد که ایالات متحده باید حساسیت بیشتری نسبت به مشکلات سیاسی و اقتصادی مصر نشان دهد تا روابط ویژه با مصر پایدار بماند (وینبام، ۲۰۱۹). بنابراین، معضل اساسی سیاست خارجی مصر از دوران جنگ سرد، وابستگی آن به کمک خارجی بود که با آرزوی استقلال ملی و موجودیت عربی-اسلامی و به‌طور سنتی، غیرمتعهد آن در تضاد بود و این معضل عربی-عربی همچنان در سیاست خارجی وجود دارد (نوری غلامی‌زاده و امیری، ۲۰۲۰: ۴۱۵). موضوعی که طی سالیان دراز، موجبات تنش و تیره شدن روابط مصر و جمهوری اسلامی ایران را فراهم کرد.

۴-۵. روابط ج.ا.ایران و مصر تحت تأثیر کمک‌های خارجی امریکا

۱-۴-۵. پیشینه روابط مصر و ج.ا.ایران

روابط ایران و مصر در قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نوسانات زیادی داشته است. به طوری که در عصر پهلوی، به حوادث پس از ملی شدن صنعت نفت و نخست‌وزیری دکتر «مصدق» بازمی‌گردد. دکتر «مصدق» از پیشگامان سیاست عدم‌تعهد در جهان سوم بود و رویکرد و عملکرد او نقش مهمی در ایجاد فضای همگرایی در روابط ایران و مصر داشت. از سوی دیگر، با توجه به اینکه مصدق با ملی کردن صنعت نفت ضربه سنگینی به امپریالیسم انگلیس وارد کرد و مصر نیز درگیر مبارزه با انگلیس در مورد کانال سوئز بود، وی شدیداً مورد علاقه «عبدالله ناصر» و مردم مصر گردید. عامل دیگری که سبب نزدیکی دو کشور شد، اقدام «مصدق» در قطع روابط ایران و اسرائیل و بستن کنسولگری ایران در این کشور بود. همچنین، مخالفت ایران و مصر با پیشنهاد غرب مبنی بر ایجاد یک سازمان دفاع نظامی مشترک در خاورمیانه نیز دو کشور را به یکدیگر نزدیک‌تر نمود. قیام ۳۰ تیر سال ۱۳۳۱ ه. ش مردم ایران، در مصر نیز تأثیر گذاشت، به گونه‌ای که علاوه بر شادمانی مردم مصر از ماندن مصدق، در قیام افسران آزاد در ۲۳ ژوئیه سال ۱۹۵۲ م در مصر نیز می‌توان تأثیر آن را مشاهده کرد. به فاصله دو روز از قیام ۳۰ تیر، افسران آزاد در مصر به عمر نظام سلطنتی مصر خاتمه دادند و قدرت را در دست گرفتند. دولت ایران به نخست‌وزیری مصدق جزو نخستین کشورهایی بود که فوراً رژیم جدید را به رسمیت شناخت. در جهان دوقطبی آن دوران، وقوع این انقلاب، مصر را به اردوگاه شرق به رهبری اتحاد جماهیر شوروی، نزدیک و از اردوگاه غرب و نفوذ انگلیس به کلی دور کرد (جاودانی مقدم و شفیع، ۱۳۹۳: ۱۳۲-۱۳۱). اما با سقوط دولت مصدق در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با توطئه امریکا و انگلیس و به قدرت رسیدن دوباره محمدرضا شاه، بهبود مناسبات دو کشور از بین رفت و فاصله دو کشور را زیاد کرد.

از موضوعاتی که بین این سال‌ها موجب تنش و درگیری ایران و مصر شدند مسئله یمن و استراتژی مشرق عربی است. از علل عمده کاسته شدن اختلافات ایران و مصر نیز

می‌توان به حمله رژیم صهیونیستی به اعراب، تضعیف شدید ناصریسم و ناسیونالیسم پان‌عربی بعد از شکست ۱۹۶۷ اعراب از اسرائیل و افزون بر این فضای بین‌المللی، تحت تأثیر نظریه همزیستی مسالمت‌آمیز که در آن سال‌ها از سوی دو ابرقدرت اعلام شده بود، بر آرام ساختن اوضاع خاورمیانه از جمله روابط ایران و مصر کمک کرد (درویشی و مظفری، ۱۳۹۷: ۹).

روابط ایران و مصر پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۱۹۷۹ مجدداً دچار تنش شد. در این زمینه حمایت سادات از سفر پادشاه مخلوع ایران به مصر و برگزاری مراسم تدفین رسمی و باشکوه برای محمدرضاشاه پهلوی در سال ۱۳۵۹ بر دامنه تنش‌های فی‌مابین افزود و واکنش تند جمهوری اسلامی ایران را به همراه داشت. سرانجام امام خمینی (ره) به فاصله ۵ هفته پس از امضای پیمان کم‌پدیوید، طی نامه‌ای به ابراهیم یزدی (وزیر امور خارجه دولت موقت) در سال ۱۳۵۸ دستور به قطع روابط دیپلماتیک با مصر را صادر کرد. مرگ سادات و روی‌کارآمدن حسنی مبارک در ۱۹۸۱ همزمان با جنگ عراق علیه ایران بود. جنگ ایران و عراق و حمایت حکومت مصر از عراق و فرستادن سربازان مصری به جبهه‌های جنگ بر ضد ایران، عامل دیگری برای عمیق‌تر شدن اختلافات میان ایران و مصر شد (زینلی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۲۸). به‌طور کل، روابط دیپلماتیک ج.ا.ایران و مصر بیش از چهار دهه قطع شده و دو کشور هنوز آن را بازسازی نکرده‌اند. این یک نتیجه از غلبه برخی وابستگی‌های عاطفی منفی است که در هویت ایرانی و مصری نهفته است که یک بی‌میلی را برای حل مشکلات پدید می‌آورد. علاوه بر این، مؤلفه مذهبی ج.ا.ایران باعث نارضایتی از مصر به‌عنوان کشوری در برابر هویت شیعیان شده است. این بعد غرب‌ستیز بودن هویت دولتی ج.ا.ایران، باعث تقویت وابستگی عاطفی منفی به مصر به‌عنوان یک کشور متحد ایالات‌متحده شده است که با رژیم صهیونیستی آشتی کرده است. در نگاه مصر، ناسیونالیسم عربی به‌عنوان ویژگی تعیین‌کننده هویت دولتی مصر شناخته می‌شود که بیگانگی از ج.ا.ایران و عدم تمایل به تعامل با آن را دیکته می‌کند (سلطانی نژاد، ۲۰۱۸: ۴۸۳).

در این جهان‌بینی، رژیم صهیونیستی به‌عنوان پایگاه استعماری غرب و صهیونیسم نسخه‌ای از امپریالیسم تلقی می‌شد. در آن زمان، بسیاری از دولت‌های عربی نیز حق موجودیت رژیم صهیونیستی را به‌عنوان یک کشور یهودی رد کردند و کشورهای مخالف معاهده صلح مصر با رژیم صهیونیستی، جبهه‌ای تحت عنوان «جبهه مقاومت» را تشکیل دادند (هانتر^۱، ۲۰۲۳). به‌عبارتی دیگر، مهم‌ترین عاملی که دو کشور را از هم جدا کرده و موقعیت سنتی و استراتژیک مصر را در میان کشورهای عربی و اسلامی تضعیف کرده است، تسلیم قاهره در برابر سیاست‌های منطقه‌ای امریکا است. به‌جز این موضوع، هیچ موضوع مهم ایدئولوژیک و سیاسی دیگری که قطع روابط دو کشور را توجیه کند، وجود ندارد (محمدی^۲، ۲۰۲۲).

با پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست‌خارجی امریکا در خاورمیانه مهار نفوذ ج.ا.ایران بوده است. از زمان دولت کلینتون و سیاست «محدودیت دوگانه» آن در خلیج فارس، ایالات متحده به دنبال این بوده است که از ج.ا.ایران بخواهد «به مخالفت خشونت‌آمیز خود با مذاکرات صلح اعراب و رژیم صهیونیستی پایان دهد» (حداد، ۲۰۱۸: ۱۰). اما ج.ا.ایران شروع به محکومیت مصر بر سر توافقنامه کمپ‌دیوید و به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی نمود. ج.ا.ایران، به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی توسط مصری‌ها را یک گناه بزرگ تلقی می‌کرد؛ زیرا می‌توانست آغازی برای به رسمیت شناختن تدریجی رژیم صهیونیستی توسط دیگر کشورهای عربی باشد. در این راستا، مصر نیز شروع به متهم کردن ج.ا.ایران به دخالت در امور کشورهای عربی از طریق حمایت از نهضت‌های اسلامی کرد. جنگ لفظی بین دو کشور در نهایت به این تعلیق روابط دیپلماتیک در سال ۱۳۵۸ منجر شد (سلطان‌نژاد، ۲۰۱۸: ۴۸۶). پس از سقوط رژیم حسنی مبارک، رئیس‌جمهور مصر در اوایل سال ۲۰۱۱، روابط ج.ا.ایران و مصر وارد مرحله جدیدی شد اما به سطح روابط عادی

-
1. Hunter
 2. Mohammadi

نرسید؛ چه در زمان محمد مرسی، رئیس‌جمهور فقید که از اخوان‌المسلمین آمده بود، چه در زمان ریاست جمهوری عبدالفتاح السیسی که از نهاد نظامی آمده بود (ساب^۱، ۲۰۲۱: ۱).

۲-۴-۵. آثار سلبی استراتژی امریکا در قبال مصر بر منافع ج.ا. ایران

اگرچه بیش از چهار دهه گذشته و در چند مرحله، تلاش‌هایی برای احیای روابط دو کشور صورت گرفت اما به دلیل «تسلیم شدن سیاست‌خارجی مصر به امریکا» این تلاش‌ها نتیجه‌ای نداشت (محمدی، ۲۰۲۲). بر اساس نظر محققان، پیوندهای نظامی، سیاسی و اقتصادی مصر با امریکا، باعث فاصله این کشور از ج.ا.ایران شده است (زینلی، ۱۴۰۱: ۱۳۵). در واقع، پذیرش کمک‌های خارجی توسط ایالات‌متحده، یک اقدام ابزاری برای حفظ نفوذ خود در کشور و پیگیری اهداف آن در خاورمیانه بوده است. تا آنجا که اعتقاد بر این است که کمک‌های ایالات‌متحده، به‌ویژه کمک‌های نظامی، ابزار کارآمدی در رهبری قیام‌ها و بی‌ثباتی‌های سیاسی ناشی از بهار عربی به سمت اهداف ایالات‌متحده است (نوری غلامی‌زاده و امیری، ۲۰۲۰: ۴۱۱). بر این اساس، کمک‌های ایالات‌متحده به مصر، بر تعامل با کشورهای همسایه خود، به‌ویژه کشورهایی که در ضدیت با جهت‌گیری‌های امریکا مانند جمهوری اسلامی ایران هستند، تأثیر می‌گذارد (نوری غلامی‌زاده و امیری، ۲۰۲۰: ۴۳۱) و به عرصه‌ای جهت تداوم نفوذ و رشوه سیاسی تعین می‌یابد. در این رابطه، ایالات‌متحده امریکا تلاش می‌کند تا با ابزار کمک‌های خارجی به مصر، به‌منظور تحقق اهداف سیاسی خود علیه جمهوری اسلامی ایران اقدام کند که در ذیل به آنها اشاره می‌شود.

۱-۲-۴-۵. حفاظت از موجودیت رژیم صهیونیستی

در فرایند انتقال قدرت، سیاست‌خارجی السیسی با معضل قاچاق نوار غزه و امنیت مرزی، منافع ملی و نقش و اهمیت اتحاد امریکا و رژیم صهیونیستی مواجه بود. علاوه بر این، السیسی به نقش مصر به‌عنوان میانجی صلح بین رژیم صهیونیستی و حماس ادامه داد (حداد، ۲۰۱۸: ۲۲). نگرانی‌های امنیتی رژیم صهیونیستی و نیازهای مرتبط با صلح، محرک

اصلی اقدام امریکا علیه ج.ا.ایران بود (اسمیت^۱، ۲۰۱۶). در این زمینه، دولت‌های متوالی ایالات متحده از ارتش مصر با تسلیحات نظامی حمایت کردند؛ زیرا تقویت صلح پایدار بین رژیم صهیونیستی و مصر در راستای منافع استراتژیک ایالات متحده بوده است (اکسلرود، ۲۰۱۱: ۱۸). به طوری که، امریکا به عنوان حامی رژیم صهیونیستی و به عنوان یک عامل فشار بر مصر، برای نزدیکی هرچه بیشتر به رژیم صهیونیستی و دوری از ج.ا.ایران ایفای نقش می‌کند. در نهایت می‌توان گفت، مسئله استراتژیک در سیاست خارجی ج.ا.ایران، نابودی رژیم صهیونیستی و حمایت از فلسطین است، در حالی که صلح با رژیم صهیونیستی از مسائل استراتژیک در سیاست خارجی مصر به شمار می‌آید (زینلی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۲۹). از این رو می‌توان استدلال کرد که رهبران نظامی مصر از نظر استراتژیک و سیاسی، نه تنها تلاش می‌کنند که جریان مستمر کمک‌های نظامی ایالات متحده را از طریق حفظ روابط دوستانه تضمین کنند، بلکه قصد دارند کشورشان را از جنگ‌های پرهزینه با همسایگان خود، به ویژه رژیم صهیونیستی دور نگه دارند. بدین سان، رهبران نظامی مایل به حفظ روابط خود با دولت امریکا و رژیم صهیونیستی هستند و بر این اساس بر تقویت پیوند عربی - غربی به مثابه رویکردی در سیاست خارجی مصر تأکید شده است (نوری غلامی زاده و امیری، ۲۰۲۰: ۴۱۷).

همچنین تقویت روابط اعراب و ج.ا.ایران از جمله روابط بین مصر و ایران، چالش‌های خاصی را برای رژیم صهیونیستی به همراه دارد؛ به طوری که انزوای منطقه‌ای ایران را کاهش می‌دهد و کمک می‌کند تا نفوذ خود را در کشورهای منطقه را افزایش دهد. این موضوع، به طور بالقوه به تضعیف ائتلاف منطقه‌ای تشکیل شده از طریق پیمان ابراهیم منجر خواهد شد که فلسفه وجودی آن، به دلیل تهدید امنیتی مشترک توسط ایران بوده است. روندی که می‌تواند شکاف عربی - ایرانی را همراه با تنش مداوم بین رژیم صهیونیستی و فلسطینی‌ها بهبود بخشد و به طور بالقوه می‌تواند روند آینده نشست مجمع نقف را به تأخیر بیندازد که مصر یکی از اعضای آن است (ویتر و زیمت، ۲۰۲۳: ۶).

۲-۲-۴-۵. ضدیت با محور مقاومت و گروه‌های اسلام‌گرا

رابطه مثلی مصر با رژیم صهیونیستی و حماس در نوار غزه پیچیده است. به طوری که رژیم صهیونیستی و مصر علیه حماس در نوار غزه همکاری می‌کنند؛ همان‌طور که از زمان ظهور السیسی تاکنون، دولت مصر با قدرت سیاسی گروه‌های اسلام‌گرا در سراسر خاورمیانه مخالف است (شارپ، ۲۰۲۳: ۶). پس از برکناری مرسی از قدرت، السیسی موضعی تهاجمی نسبت به حماس، اخوان‌المسلمین و نوار غزه اتخاذ کرد. در ابتدا، هدف سیاست‌خارجی السیسی، نوار غزه و فلج کردن اقتصاد و منابع حماس بود (حداد، ۲۰۱۸: ۲۲). السیسی با میانجی‌گری بین حماس و رژیم صهیونیستی، تلاش کرد که تونل قاچاق اسلحه به غزه را خنثی کند و مبارزان فلسطینی در نوار غزه را به کمک به گروه‌های تروریستی در سینا متهم کرده است (شارپ، ۲۰۲۳: ۶). به همین خاطر، هزاران خانه فلسطینی را در این منطقه ویران کرد و از مرز رفح به منظور ایجاد یک منطقه حائل بین شبه‌جزیره سینا و نوار غزه استفاده کرد (حداد، ۲۰۱۸: ۲۲). کنترل بر روی گذرگاه مرزی رفح، اهرمی برای فشار مصر بر حماس محسوب می‌شود (شارپ، ۲۰۲۳: ۶).

در ۷ ژوئیه ۲۰۱۴، رژیم صهیونیستی «عملیات حفاظتی» را در پاسخ به شلیک موشک از نوار غزه به جمعیت غیرنظامی رژیم صهیونیستی در پیش گرفت. این درگیری با یک حمله هوایی توسط رژیم صهیونیستی آغاز شد و بعداً خود را به یک جنگ تبدیل کرد. در ابتدا، استراتژی السیسی در وادار کردن حماس به توافق آتش‌بس، یک اولتیماتوم بود که رژیم صهیونیستی به عملیات تهاجمی خود ادامه خواهد داد، تا زمانی که حماس دست از دشمنی بردارد. اساساً هدف این استراتژی عدم امتیاز به حماس بود و به رژیم صهیونیستی اجازه داد که به تضعیف حماس ادامه دهد. با این حال، موضع تهاجمی السیسی نسبت به حماس همچنان رو به افزایش بود (حداد، ۲۰۱۸: ۲۳). همچنین سناریوهای تهدید دیگری نیز وجود دارد. در واقع، نزدیکی مصر و ج.ا.ایران می‌تواند شامل عبور بالقوه کشتی‌های نفت‌کش ایران باشد و این امکان وجود دارد که ایران بتواند موقعیت خود را در نوار غزه تحکیم کند که می‌تواند پیشرفت‌های انجام‌شده در غزه را طی سال‌های اخیر در روابط رژیم صهیونیستی و مصر مختل کند (ویتتر و زیمت، ۲۰۲۳: ۶). اما دولت مصر سیاست‌های

خود را با ایالات متحده، متناسب با منافع ملی هماهنگ می‌کند؛ به طوری که مصر در تضعیف حماس که یک تهدید برای رژیم صهیونیستی، به عنوان هم‌پیمان امریکا محسوب می‌شد، همکاری داشته است (اکسلرود، ۲۰۱۱: ۱۱).

۳-۲-۴-۵. تضعیف عنصر بازدارندگی تنگه هرمز

مصر، شریک کلیدی در مقابله با تهدیدات احتمالی برای ایالات متحده و متحدان محسوب می‌شود (کوهن، ۲۰۱۹: ۱). در این راستا، یکی از اجزای کلیدی روابط ایالات متحده با مصر، همکاری نظامی نیروی دریایی و تسریع دسترسی از طریق کانال سوئز بوده است. در ماه مه ۲۰۱۹ و در بحبوحه تنش فزاینده امریکا و ج.ا.ایران در اطراف تنگه هرمز، ناو هواپیمابر یو.اس.اس آبراهام لینکلن مستقر شد و ایالات متحده گروه ضربت خود را از طریق کانال سوئز ارسال کرد. تحت این شرایط، نیروی دریایی مصر عبور را تسهیل کرد و به گفته نیروی دریایی ایالات متحده، «انتقال ترانزیت از طریق سوئز و به ناوگان پنجم منطقه»، عملیات تسریع شد که انعطاف‌پذیری را نشان می‌دهد (شارپ، ۲۰۱۹: ۲۰). همچنین، حمایت مصر از امارات متحده عربی در مسئله جزایر سه‌گانه ایرانی یکی دیگر از رویکردهای مورد حمایت امریکا توسط مصر است. اتحادیه عرب در نشست‌های خود، به کرات به درخواست امارات متحده عربی، موضوع جزایر سه‌گانه ایرانی را در دستور کار خود قرار داده و از ادعای امارات حمایت به عمل آورده است. این اتحادیه حتی خواستار ارجاع این اختلاف به دیوان لاهه شده است. در آخرین مورد نیز که در حاشیه نشست یکصد و پنجاه و هفتمین دوره شورای اتحادیه عرب که در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۴۰۰ در قاهره برگزار شد، مجدداً موضوع جزایر مذکور مطرح شده است (زینلی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۳۴).

اقدامات ضد ج.ا.ایران تا آنجا تداوم داشت که سیاسی، در جریان دیدار با رسانه‌های خارجی در مجمع جهانی جوانان در ۶ نوامبر، ایران را متهم کرد و گفت که مصر اجازه هیچ‌گونه تضعیف امنیت خلیج فارس را نخواهد داد و ارتش مصر برای محافظت از برادران

مصر در برابر هرگونه خطر یا تهدید مستقیم اقدام خواهد کرد (ساید^۱، ۲۰۱۹). به عبارتی دیگر، مصر در یک گروه منطقه‌ای، با ابتکار امنیتی و حمایت ایالات متحده قرار گرفت که نشان‌دهنده سیاست ضد ایرانی قاهره است (هوسورن و میلر، ۲۰۲۰: ۱۱).

۴-۲-۴-۵. تلاش آمریکا در مصر جهت راه‌اندازی یک جنگ منطقه‌ای با ج.ا.ایران

از اواخر ژوئیه ۲۰۰۷، ایالات متحده پیمان نظامی جدیدی با مصر، به ارزش ۱۳ میلیارد دلار به منظور مقابله با جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفت (مصلی‌نژاد، ۲۰۱۳: ۱۲۳). از آن زمان تاکنون، ایالات متحده آمریکا در تلاش است تا مصر را وادار کند که وارد یک جنگ منطقه‌ای علیه ایران و به نفع کشورهای عربی منطقه خلیج فارس و تل‌آویو شود. از این رو، ایالات متحده آمریکا و دیگر شرکای آن در مؤسسات پولی و مالی بین‌المللی، از طریق سیاست‌های خودسرانه صندوق بین‌المللی پول، قاهره را در این زمینه تحت فشار قرار می‌دهند. در واقع ایالات متحده آمریکا از طریق این مؤسسات درصدد است تا قاهره را به توافق با آنها برای مقابله با ج.ا.ایران مجاب کند. برای رسیدن به این هدف، از یک سو، تعدادی از سرمایه‌گذاران بزرگ بین‌المللی را از مصر خارج کرد. از سوی دیگر، واشنگتن و قدرت‌های غربی از طریق نیروهای خود در قاهره، چندین بحران اقتصادی مصنوعی، مانند کمبود ارز خارجی در بازار مصر، ضعف پوند مصر، افزایش نرخ تورم را ایجاد کردند. این اقدام بخشی از کارزار سیستماتیک علیه مصر و ارتش آن برای تحمل هزینه و بار جنگ علیه ج.ا.ایران به نمایندگی از رژیم صهیونیستی، خلیج فارس و به نفع رقابت واشنگتن با پکن و مسکو به‌عنوان متحدان ج.ا.ایران در خاورمیانه است (هلمی^۲، ۲۰۲۳). از دیدگاه تحلیلی، آنچه در منطقه در حال رخ دادن است، تلاش آمریکا و رژیم صهیونیستی برای بسیج علیه ج.ا.ایران با حمایت کشورهای خلیج فارس و به‌ویژه ارتش مصر، به جنگ بدون منفعت مستقیم برای مقابله با تهران است.

۶. نتیجه گیری و پیشنهاد

کمک‌های خارجی همیشه ابزاری در خدمت اهداف سیاسی بوده‌اند و ملاحظات سیاسی و استراتژیک، بیش از هر عامل دیگری در ارائه کمک‌های خارجی نقش داشته است. در این راستا، نه تنها مصر به سیاست امریکا و کمک‌های اقتصادی این کشور وابسته است، بلکه ایالات متحده نیز برای اجرایی کردن استراتژی خاورمیانه‌ای خود به مصر نیاز دارد بنابراین توسعه روابط مصر و ایالات متحده، یک امر دوسویه است و تداعی‌گر رابطه «حامی-مشتری» میان امریکا و مصر است.

در این راستا، امریکا تلاش می‌کند تا به «رقیب رقیب خود» کمک‌های خارجی ارائه کند و با وابسته کردن هرچه بیشتر مصر، بتواند به اهداف سیاسی خود در قبال جمهوری اسلامی ایران دست یابد. در این زمینه، امریکا خواهان این است که منافع اسرائیل به عنوان مهم‌ترین هم‌پیمان آن در خاورمیانه حفظ شود، رژیمی که در سیاست‌های جمهوری اسلامی به مثابه غده سرطانی محسوب شده است که باید، موجودیت آن از نقشه جغرافیایی جهان پاک شود. اما مصر به دلیل وابستگی و ترس از عدم دریافت کمک‌های خارجی امریکا، همواره تلاش کرده است تا روابط مسالمت‌آمیزی را با رژیم صهیونیستی برقرار نماید. تحت چنین شرایطی، مصر در تقابل با گروه اسلام‌گرایی مانند حماس، به‌طور مستمر با رژیم صهیونیستی همکاری اطلاعاتی، لجستیکی داشته است و به گواه تاریخ در جنگ‌های متعددی که میان گروه‌های فلسطینی و رژیم صهیونیستی روی داده است، از منافع هم‌پیمان امریکا در منطقه خاورمیانه دفاع کرده است و در مواردی هم به‌طور سلبی، با کاهش نفوذ و دسترسی ایران به نوار غزه علاوه بر تحت فشار قرار دادن فلسطینی‌ها، منافع ایران را نیز حتی با چالش مواجه کرد و مانع قدرت‌یابی گروه‌های اسلامی در فلسطین مانند حماس شد. همچنین، گستره وابستگی مصر به کمک‌های اقتصادی و نظامی تا آنجاست که امریکا طی برنامه‌ریزی دقیق توانسته است از مقابله به مثل جمهوری اسلامی ایران به واسطه پشتیبانی خطوط دریایی متصل به کانال سوئز در امان باشد و بتواند به اهداف ترسیم شده خود دست یابد که به عرصه‌ای جهت تضعیف اهرم فشار ج.ا.ایران تعین پیدا می‌کند. در

این راستا، تبعیت مصر از سیاست‌های آمریکا به گونه‌ای بوده است که طی چند سال اخیر در اتحادیه عرب، حاکمیت ایران بر مجمع جزایر سه‌گانه را زیر سؤال برده است که حاکی از سیاست‌های ضد ایرانی نصر محسوب می‌شود.

با نگاهی به تحولات و برهه‌های متعدد تاریخی جهان، می‌توان استنباط کرد که هر زمانی که منافع آمریکا اقتضا کند، می‌تواند از روابط با کشورهای وابسته به‌طور نیابتی در جهت مقابله با دشمنان خود استفاده نماید. در این زمینه، مصر یکی از کشورهایی محسوب می‌شود که نیروی نظامی قدرتمندی دارد و برنامه‌ریزی ایالات متحده آمریکا در قبال مصر با توجه به آگاهی و توان دستکاری در اقتصاد این کشور، تلاش می‌کند تا اختلاف میان ج.ا.ایران و مصر را فزونی بخشیده و زمینه ایجاد جنگ میان آنها را فراهم کند.

با توجه به مطالب فوق این‌گونه مستفاد می‌شود که هرگونه تعامل مصر با ج.ا.ایران، می‌بایست بر اساس موضع و عامل آمریکا مورد توجه قرار گیرد. به‌طوری‌که، هرگونه حرکت در قبال ج.ا.ایران، به‌ویژه با توجه به ماهیت همکاری بین دستگاه نظامی مصر و آمریکا که طرفین مایل به حفظ آن هستند، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بدین‌سان، رابطه نزدیک مصر با آمریکا و متحدان آن که توسط ابزارهای مختلف، از جمله کمک‌های اقتصادی و نظامی برجسته شده است، دلیل اصلی سطح بسیار پایین همکاری در روابط ایران و مصر است. موضوعی که سبب می‌شود تا آمریکا بتواند از هم‌پیمانان و متحدان خود حمایت کرده و موجبات کاهش نفوذ و تهدید منافع جمهوری اسلامی ایران را فراهم نماید. قاهره برای برون‌رفت از چنین وضعیتی چاره‌ای جز بازنگری در سیاست خارجی خود و اتخاذ رویکردهای متوازن ندارد. مصر باید به دنبال فرصت‌های جدید برای بهبود شاخص‌های اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی و دسترسی به بازارهای جدید در منطقه باشد. در این شرایط ایران که در عرصه‌های صنعتی، تجاری، فنی، نظامی، پزشکی و... به خودکفایی رسیده است، گزینه خوب و قابل‌اعتمادی است که می‌تواند اقتصاد مصر را تقویت کند. بنابراین، بهبود روابط میان ج.ا.ایران و مصر مستلزم اراده نخبگان سیاسی دو کشور است تا بتوانند سطح همگرایی خود را به شرح و کیفیت ذیل ارتقا دهند:

- بالا بردن سطح مذاکرات طرفین در جهت رفع سوء تفاهمات و تقویت نقاط مشترک تاریخی؛
- پرهیز از اظهارات نادرست و تقابل گرایانه نسبت به یکدیگر؛
- احیای سطح روابط دیپلماتیک با ایجاد سفارت در دو کشور؛
- نشان دادن حسن نیت توسط ج.ا.ایران و ارائه توانمندی‌ها و قابلیت‌های مختلف به کشور مصر جهت کاهش وابستگی به کمک‌های خارجی ایالات متحده امریکا؛
- بهره‌گیری از سازمان‌ها و نهادهای اسلامی به منظور افزایش فهم و درک مشترک به منظور رفع سوء تفاهم‌ها و چالش‌های فراروی دو کشور.

منابع

الف - فارسی

- جاودانی مقدم، مهدی، و شفیع، مریم (۱۳۹۳). «پارادوکس واهمگرایی در روابط خارجی ایران و مصر پس از انقلاب اسلامی (۲۰۱۴-۱۹۷۹م)»، *سپهر سیاست*، ۱ (۱)، ۱۴۸-۱۲۱.
- درویشی، فرهاد، و مظفری، سمیرا (۱۳۹۷). «بررسی عوامل تأثیرگذار بر واگرایی روابط ایران و مصر (۱۳۵۷-۱۳۹۲)»، *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۷ (۲۵)، ۳۰-۱.
- زینلی، حمید و همکاران (۱۴۰۱). «تبیین مهم‌ترین موانع همگرایی روابط ایران و مصر (۲۰۱۸ الی ۲۰۲۲)»، *جغرافیا*، ۲۰ (۷۴)، ۱۴۳-۱۲۱.

ب - انگلیسی

- Andreasen, J. (2014). "*Foreign Policy Through Aid: Has United States Assistance Achieved its Fed its Foreign Policy Objectiv olicity Objectives?*", All Graduate Theses and Dissertations, 2772, available: <https://digitalcommons.usu.edu/etd/2772>.
- Axelrod, M. C. (2011). *Aid as Leverage? Understanding the U.S.-Egypt Military Relationship*, U.S.: The Lauder Institute, University of Pennsylvania.
- Bayat, A. & Bahman, B. (2002). *Revolutionary Iran and Egypt: Exporting Inspirations and Anxieties*, Leiden University: Scholarly Publications.
- Bindra, S. S. (2018). "Foreign Aid And Foreign Policy", *The Journal of International Issues*, 22 (3), PP.126-141
- Bussell, J. (2015). "Foreign aid as a policy tool", *Senior Honors Theses & Projects*, No 430, available: <https://commons.emich.edu/honors/430>
- Cohen, J. R. (2019). "*Nominee for U.S. Ambassador to the Arab Republic of Egypt*", Testimony: U.S. Senate Foreign Relations Committee Nomination Hearing, available: <http://www.foreign.senate.gov>.
- Dunne, M. (2014). *A U.S. Strategy Toward Egypt Under Sisi*, carnegie endowment for international peace.
- Haddad, J. (2018). *Foreign Policy Under President Al-Sisi*, Naval Postgraduate School, available: apps.dtic.mil.
- Hawthorne, A. and Miller, A. (2020). "*The United States and Egypt: Updating an Obsolete Relationship*", Project on Middle East Democracy.
- Helmy, N. (2023). "The current economic crisis in Egypt and the attempts to drag the Egyptian army into a war against Iran", available:

<https://moderndiplomacy.eu/2023/02/06/the-current-economic-crisis-in-egypt-and-the-attempts-to-drag-the-egyptian-army-into-a-war-against-iran>.

- Hunter, S. (2023). "What drives Israel-Iran hostility? How might it be resolved?", *Middle East & North Africa*, available: <https://www.stimson.org/2023/what-drives-israel-iran-hostility-how-might-it-be-resolved/>
- Lynne, D. F. (1983). "Development Assistance- A Tool of Foreign Policy", . *Res. J. Int'l L.* 15 Case W, Vol 15m PP. 14-213.
- Meringolo, A. (2014). "*From Morsi to Al-Sisi: Foreign Policy at the Service of Domestic Policy*", Rome: Istituto Affair Internazionali.
- Mohammadi, B (2022). "Importance, Necessity of Resumption of Iran-Egypt Relations", *Strategic Council*, available: <https://www.scfr.ir/en>.
- Morgenstern, E. M. & Brown, N. M. (2022). "*Foreign Assistance: An Introduction to U.S. Programs and Policy*", Congressional Research Service report.
- Morgenthau, H. (1962). "A Political Theory of Foreign Aid", *The American Political Science Review*, 56 (2), PP 301-309.
- Mossalanejad, A. (2013). "U.S Offensive Policy toward Iran's Security in the Middle East and Persian Gulf after 33 day's War", *Geopolitics Quarterly*, 8 (4), PP. 115-134.
- Nourigholamazadeh, Elaheh and Amiri, Zahra (2020), American Aid to Egypt and its Impact on Egypt-Iran Relations, Iranian Review of Foreign Affairs.
- Oren, M. (2002). *Six days of war: June 1967 and the making of the modern Middle East*. New York: NY: Presidio Press.
- Rudloff, P. & Scott, J. (2014), *Buying Trouble? The Impact of Foreign Assistance on Conflict in Direct and Indirect Rivalry Situations*, All Azimuth, 3 (1), PP 35-54.
- Saab, H. (2021). "*Egyptian-Iranian Relations from Morsi to Sisi*", available: <https://en.eipss-eg.org>.
- Saied, M. (2019). "*Egyptian-Iranian relations: Where are they now?*", available: <https://www.al-monitor.com>.
- Scott, J. M (2020). "Foreign Aid and Assistance", *International Relations*, Oxford Bibliographies. <https://www.oxfordbibliographies.com>.
- Sharp, J. M. (2017). "*Egypt: Background and U.S. Relations*", Congressional Research Service.
- Sharp, J. M. (2018), "*Egypt: Background and U.S. Relations*", Congressional Research Service.
- Sharp, J. M. (2019). "*Egypt: Background and U.S. Relations*", Congressional Research Service.
- Sharp, J. M. (2022). "*Egypt: Background and U.S. Relations*", Congressional Research Service.

- Sharp, J. M. (2023). “*Egypt: Background and U.S. Relations*”, Congressional Research Service, 13 July.
- Smith, K. (2016). “Realist Foreign Policy Analysis with a Twist”, *Understanding Foreign Policy in the Middle East*, 12 (3).
- Soltaninejad, M. (2018), “Iran and Egypt: Emotionally Constructed Identities and the Failure to Rebuild Relations”, *Journal of World Sociopolitical Studies*, 2 (3), PP 483-506.
- Tarnoff, C. & Lawson, M. L. (2011). *Foreign Aid: An Introduction to U.S. Programs and Policy*, Congressional Research Service, April 25.
- Weinbaum, M. G. (2019). *Egypt And The Politics Of U.S. Economic Aid*, New York: Routledge, Taylor & Francis.
- Winter, O. & Zimmt, R. (2023). “Normalization between Egypt and Iran, and the Implications for Israel”, *Inss*, No. 1743.
- Yahel, I. (2016). *Covert Diplomacy Between Israel and Egypt During Nasser Rule 1952-1970*, SAGE Open, available: <https://journals.sagepub.com/doi/full/10.1177/2158244016667449>.

